

تأملی در مردم‌شناسی فرهنگی بازار و مسکن شهر قزوین* (با توجه به مرمت بناهای قدیمی)

اصغر عسکری خانقاه

استاد دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران

چکیده

آنچه در بحثهای ویژه ساختارهای فرهنگی قرار می‌گیرد، تاریخی از گذشته انسان بوم‌زاد را در هر منطقه رقم می‌زند. بحث ما در این مقاله رهیابی به دانش قومی و شناخت بناهای قدیمی و بازار شهر تاریخی قزوین و بررسی فرهنگ حاکم بر آن و آگاهی از تفکر جدید ساکنان بناها و سراهای قدیمی قزوین از جمله سرای حاجی رضا، سرای وزیر، سرای رضوی و... است، که بازتاب ویژه این امر رسیدن به دانش انسان ساکن در محله‌ها و بناهای قدیمی و پی بردن به گرایش و اندیشه امروزی وی برای مرمت آثار بجا مانده از روزگاران قدیم است.

مردم‌شناسان فرهنگی معتقدند که در این امر عواملی چون قومیت، زبان، مهاجرت، ازدواج و... می‌توانند نقش فرهنگی ویژه‌ای را در استقرار انسان در هر منطقه ابقا کنند. از این رو، مطالعه حاضر به بررسی عوامل حاکم بر فرهنگ مسکن و بازار قزوین و نیز شناخت تمایلات مردم به بازسازی و مرمت بناهای قدیمی پرداخته است، تا از این طریق راهی هرچند باریک به سوی دروازه عظیم داناییها و دانشهای مربوط به معماری بومی و آینده‌نگری در بناهای جدید شهرهایی چون قزوین بگشاید.

واژگان کلیدی: مسکن، بازار، مرمت، قزوین، فرهنگ

* این مقاله برگرفته از پروژه مردم‌شناسی فرهنگی قزوین است که با همراهی و مشارکت خانم مهناز عابدی و لوجردی کارشناس ارشد مردم‌شناسی و آقایان: حمید عباداللهی دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه تهران؛ مهندس عباس فولاد کارشناس ارشد برنامه ریزی شهری و شهریار جعفری کارشناس ارشد مردم‌شناسی صورت گرفته است که بدین وسیله از این پژوهشگران اندیشه‌مند سپاسگزاری می‌شود.

مقدمه

انسان امروز در قلمرو اندیشه‌های مختلفی محصور است که به تناسب زمان و مکان ریشه در گذشته تاریخی وی دارد. او به تطابق خود در محیطی که در آن به دنیا آمده، رشد کرده و به تطور فیزیکی رسیده، قوام و دوام می‌بخشد. پس نمی‌توان اندیشه و رفتار فرهنگی این انسان را که در طول زمان متحول شده، در هر نقطه از کره خاکی، همگن و مشابه دانست. اگر در یکی از خیابانهای انگلیس، هند، ایران یا فرانسه به چنین انسانی برخورد کنیم، او را در مقابل دنیایی از اندیشه‌های متضاد و متغیر می‌یابیم که برای سازگاری با هر اندیشه، در هر مکانی ویژه، خود را مزین به رفتاری جدید می‌کند. اگر طغیان کند و اگر نتواند با آنچه صورت وقوع یافته و در یک محیط ویژه به ثبت رسیده خود را تطبیق دهد، بسیار طبیعی خواهد بود. اما، آنچه بدیهی است اینکه توقف بیشتر در چنین مکانی او را به انسانی مطیع و موافق محیط زیست جدید بدل خواهد کرد. از این رو، با هر ویژگی رفتاری و از هر قلمرویی که آمده باشد، خود را به ناچار با محیط جدید، که می‌بایست در آن سالها بزید، رشد کند و به تناوری و بالندگی برسد، سازگار خواهد ساخت. برای مثال، مردم آمریکای لاتین به تناسب محیط زیست خود رفتارهای فرهنگی ویژه‌ای را القا می‌کنند که ریشه در تطور روزگاران گذشته مردم آن منطقه در طی مراحل مختلف زندگی در قرنهای مختلف دارد. چنین مردمی برای کشورهای آسیایی به گونه‌ای می‌توانند مقبول باشند اما، برای پی بردن به شناخت آنها باید در عکس‌العملها و گرایشهای زندگی آنها تعمق و اصول اولیه و ساختار یگانه زندگی اجتماعی آنها را در طبق اندیشه جمع‌آوری کرد. وقتی مردم اروپا در شهرهای بزرگ و پر نعمت هند در منطقه سرسبز "کرالا" در انستیتوی تحقیقاتی، محققان هندی را با لباسی ساده دور یک میز، بسیار تمیز و ساده می‌بینند که همه با دست غذا می‌خورند و هیچ‌گونه نشانه فخر فروشی اروپایی در آنان، و اینکه باید با کارد و چنگال غذا خورد، دیده نمی‌شود، کمی به خود می‌آیند و می‌بینند اگر اندیشه خود را در این محیط ویژه، که همه هندیان با اصول و رفتار خاص برای خوردن غذا مزین شده‌اند، به کار اندازند، پی به رازی شگرف خواهند برد که عمیقاً ریشه در عناصر اولیه فرهنگی انسان ساکن در منطقه کرالای هند دارد. در همه رفتارها و خواص فرهنگی مناطق مختلف می‌توان با دلگرمی به این گونه تفاوتها، جان داد و انسان را در هر قلمرو و با هر پوششی به ترکیبی از عناصر فرهنگی مزین دید که خاص خود اوست. حال اگر این هندی عزیز ما قدم به جامعه واشنگتن یا به

رستوران گران قیمتی در پاریس بگذارد، بدیهی است، اگر در آغاز، از دیدن دیسپلین‌های مخصوص مردان، زنان، دختران و پسران پاریسی، که به گروه اغنیا تعلق دارند و با پوشاک و رفتاری فاخرانه و آرایشی خاص و کاملاً متفاوت با آرایش مردم هند، در این گونه مجامع رفت و آمد می‌کنند، به شگفتی و حیرت بیفتند، جای تعجب نیست. چون قلندر مسافری گذراست که از هر مکانی توشه‌ای برمی‌گیرد و در هر زمان به استواری چیزی ایمان می‌آورد که در فضایی ویژه با حال و هوای مردم همانجا تطابق دارد. او می‌تواند به چنین وضعیتی عادت نکند و همان کار اصلی خود را چند صباحی بی‌هیچ قید و بند و مردم‌گریزی در شهر بزرگی چون پاریس یا نیویورک انجام دهد و چندی بعد به خانه و مکان خود در هند برگردد. اما، اگر این انسان مسافر بخواهد برای همیشه در پاریس یا نیویورک رحل اقامت بيفکند، برای گریز از عذاب روحی و جسمی در این کلان شهرها باید هر آنچه را می‌بیند به دیده تفکر برآن نظاره کند و از پستوهای ذهن خود برای ورود به شریانهای متروپولیتن‌ها کمک بگیرد، همه الیاف فضای شهری و مردمان آن را جراحی کند و از ذره ذره تفکری که آگاهانه یا ناخودآگاه در هر مسیری با آن برخورد خواهد داشت پرده بردارد یعنی آن کند که دیگران می‌کنند و آزموده‌ها را بیازماید و همه چیز را تجربه کند و از هیچ نگذرد، در این صورت به راز سکونت مردمی که از بام تا شام می‌دوند و در دندانهای چرخ زندگی به صورتی گیر می‌کنند و عاشقانه به شهرهای بزرگ و قدیمی عشق می‌ورزند، پی خواهد برد. باید بگوییم، چنین انسانی باید، به قول برخی از مردم‌شناسان، خود را با محیط جدید عادت دهد و کارکرد اجزا و عناصر محیط خود را دقیقاً تشخیص دهد و هرگز از کنایه‌ها، نابهنجاریها و یا نارساییهای فکر خود - که مثلاً قادر به درک همه عوامل و عناصر حاکم نیست - نرنجد. به این ترتیب، می‌بینیم رفته رفته خود را با وضع جدید عادت می‌دهد، پوشاک خود را عوض می‌کند، کردار و عادات و رسوم خود را در خفا کنترل می‌کند و چنان می‌کند که دیگر بر ریزکاریهای حرکات و هر حساسیت باریکش خرده نگیرند و او را به سرعت از خود نرانند.

چنین زیستمندی لاجرم برای ادغام در محیط زیست جدید، خارج از نارساییهای بیولوژیکی و عدم تطابق با وضعیت آب و هوایی و جغرافیایی آن، همه خصیصه‌های محیط را مطالعه و مورد سنجش قرار می‌دهد و به سوی آنها دست دوستی دراز می‌کند. به مردمش، مردمی که تمام ریشه و پوست آنها در یک طبق قدیمی تعلیم و تربیت کهن قوام گرفته، به ناچار نزدیک می‌شود. با آنها نرد عشق می‌بازد، زبانشان را فرامی‌گیرد، واژگان عامیانه و شوخیهای نرم و نازکشان را تکرار می‌کند. عین آنها لباس می‌پوشد، گاهی می‌خرامد و گاه می‌لنگد و زمانی

تظاهر و طغیان می‌کند؛ همچون عابدانی که ناگهان به ذکر آنچه از آن ناآگاهند می‌پردازند و خود را همچون وجودی به آیین آغشته و سرشته به آرمانی ویژه جلوه می‌دهند، گاه خنیاگر و زمانی شعبده‌باز رندی است که در مراوده‌های روزانه با دیگران عجین می‌شود و در بازار مکاران به فروش کالای خود که آغشته به تردستی و بازیهای عیارانه است، می‌پردازد. این انسان - گاهی نیز - چنان در محیط بیگانه جا می‌افتد و خود را به همه عوامل و انگاره‌های محیط وصل می‌کند که انگار از دیاری غریبه به این مکان قدم نهاده است. بنابراین محیط جدید، همه دارایی و تنعم و نیروهای فکری و جسمی خود را در اختیارش می‌گذارد، قضا را اگر این محیط آمادگی پرورش فکری وی را داشته باشد و بتواند او را به خواسته‌های عقلانی و ذهنی‌اش نزدیک و نزدیکتر کند و به درک نیروهای درونی وی بپردازد و اجازه پرواز فکری به او بدهد، تا پایان زندگی همه اندیشه‌های اجداد خود را نیز در اختیارش می‌گذارد و چنان در محیط جدید خود را گم می‌کند که انگار همیشه همشهری و یار و خویشاوند آن بوده است.

از گفتار فوق چنین برمی‌آید که آدمها دارای نوعی تفکر فرهنگی وابسته به شرایط زمان و مکان هستند، که این تفکر، جز در مواردی واقعاً ویژه، مربوط به دوره‌ای خاص است. این تفکر که از آن به نام تفکر فرهنگی انسان کهن و ش یاد می‌کنیم، بسته به شرایط زمان و روزگاری که انسان در آن به دنیا آمده و رشد کرده است، تغییر می‌کند. بنابراین، هر انسانی در دوره‌ای که زایش خود را جشن می‌گیرد، به گروهی از آداب و عادات، رسم و رسومات، اندیشه‌ها و باورها، دانسته‌ها و اعتقادات همان دوره وابسته می‌شود که نه چندان شباهت به دوران والدینش دارند و نه بعد از او فرزندان‌ش راستاراست از آن بهره‌مند خواهند شد.

پس، اگر بخواهیم بنا به مقتضیات روز، تغییرات فرهنگی یک قوم را تجزیه و تحلیل کنیم، کاری است عبث زیرا نشان از روند تغییر و چگونگی جابه‌جایی نیروها در قلمرو ذات انسان بیولوژیک، ندارد. از این رو، یک تغییر فرهنگی به ذره ذره عناصر سازنده فرهنگ در یک حوزه فرهنگی مشخص، که مجموعه‌ای از ترکیبهای به هم تنیده عناصر را دربردارد، وابسته است، و تا مدار تاریخی آن را ترسیم نکنیم، به هیچ طریق به هذلولی کاملی که ریاضی‌دانان در بحث آماری خود به آن کاسه زنگ می‌گویند، نخواهیم رسید. بنابراین مدخل هر تحقیق، قلمرو یا مکانی است که انسانها کارنامه زندگی خود را در آن پهن می‌کنند و به سنتها، خصلتهای ویژه، کنشها و واکنشها و منشهای زندگی می‌گروند و در مکانی به دلخواه خود سکنی می‌گزینند و چون قرنی از سرگذشت خاک یا سکونتگاهشان بگذرد، قصه‌ها، افسانه‌ها و رؤیاهای گذشته را، انسانهای نسل بعد - همچون اجدادشان - برای فرزندان نسل جدید حکایت می‌کنند.

از اینجاست که همه چیز با هاله‌ای از حرمت در حافظه‌ی خاک ثبت می‌شود و خاک این مادر جاودانه‌ی انسان، او را به سوی پهن دشت زندگی می‌چرخاند و بناهای رنگارنگ زندگی را با کوچه‌ها، محله‌ها، آب انبارها، زیرگذرها، پیشخوانها و سایبان دیوارها و شیشه‌های رنگی در کنار رودخانه یا نهرهای آب برپانگهمیدارد و هر بار رنگی، شکلی، برشی، حاشیه یا شیاری ویژه بر آن می‌زند، تا به تناسب زمان و مکان شایسته‌ی موسیقی زمانه و گذر عمر باشد و حکایت از قومی به قومی دیگر بَرَد و آوازهای گذشتگان را با نوای کودکان تازه به ثمر رسیده توأم نماید و از آن دو، عصاره‌ی موسیقی بومی اجدادش را به دنیا آورد و به ساختارهای معماری و فرهنگ زیستی‌اش فخر بفروشد و سیاحان را به همدمی خویش بخواند.

اهمیت و ضرورت پژوهش

انسان در انطباق با محیط طبیعی خویش و به منظور زندگی و معیشت بهتر، دست به تغییراتی در محیط طبیعی می‌زند. از تعامل بین انسان و محیط طبیعی، فرهنگ با تمامی عناصر متنوع آن زائیده می‌شود، وجودی مستقل می‌یابد و بر انسان و رفتار او تأثیر می‌گذارد. بدین گونه است که نوع خاصی از مسکن و شکل ویژه‌ای از بنا و معماری، در عین حال که نشانگر انطباق انسان با محیط طبیعی است، خود به مثابه‌ی گونه‌ی خاصی از هنر در یک دوره رایج شده و به روابط اجتماعی انسانها در آن دوره شکل خاصی می‌بخشد. در واقع، شکل ویژه و خاص بناها، گذرها و معابر و کلاً معماری می‌تواند نمادی از نوع خاص زندگی و روابط بین انسانها باشد. به زبان دیگر، اسکان، ساخت و ساز، معماری و بناها دارای جنبه‌های قوی و برجسته‌ی فرهنگی است که بدون توجه به آن نمی‌توان آنها را بررسی کرد، چرا که این گونه پدیده‌ها، برون‌ریز و تجسم قابلیت‌های انسان فرهنگی هستند، انسانی که در قالب فرهنگ به تواناییهای خود جسمیت می‌بخشد. بدین سان مسکن و معماری نیز بخشی از فعالیت عینیت بخشی انسان فرهنگی به شمار می‌رود و به مثابه بخشی از فرهنگ ساخته‌ی دست وی می‌تواند مورد تحلیل فرهنگی قرار گیرد.

چنانچه از زاویه‌ای دیگر به طرح اهمیت موضوع مورد مطالعه بپردازیم، باید به جدایی‌ناپذیری انسان از "بنا" اشاره کرد. در حقیقت، این انسان اجتماعی - فرهنگی است که شکل خاصی از مسکن با فضاها و ویژه‌اش، نوع خاصی از گذرها، محله‌ها و ... را خلق کرده و در آن می‌زید و در عین حال که آن را خلق می‌کند، دست به بازتولید آن می‌زند و در بازتولید

تحولاتی به وجود می‌آورد. ظهور تحول در بنا یا هر پدیده فرهنگی دیگر، در عین حال که در انطباق با محیط طبیعی (و با توجه به سطح تکنولوژیک آن عصر) صورت می‌گیرد، تحت تأثیر اشاعه فرهنگی و پذیرش فرهنگی عناصری از حوزه فرهنگی دیگر نیز می‌باشد. بدین سان در نتیجه مرادفات فرهنگی با قومیت‌ها و ملیت‌هایی، شکل خاصی از مسکن با ویژگی‌هایی رفته رفته شکل رایج خانه‌سازی در بین اقشاری از مردم یک شهر در یک دوره تاریخی خاص می‌شود. با عنایت به این نکات، نوع رنگهای به کار رفته در خانه، فضاهای درونی و بیرونی آن، شکل اتاقها، شکل سقف، فضای حیاط منزل و حتی شکل در می‌تواند اهمیتی اساسی یابد. همچنین، گذرها، شکل بناها در بازار و ساختار سنتی معماری آنها، به مثابه عناصر فرهنگی، نمادی از شیوه معیشت، سبک زندگی و نحوه ارتباطات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی انسانها در یک دوره تاریخی خاص است. بنابراین، ساخت و ساز و معماری بیش از آنکه امری فنی باشد، پدیده‌ای اجتماعی - فرهنگی است و بحث در آن خصوص، بدون توجه به مباحث اجتماعی - فرهنگی اشتباهی بزرگ خواهد بود.

مرمت ابنیه و بافت قدیمی شهر نیز به مثابه جزئی از مباحث معماری و شهرسازی نمی‌تواند جدا از ابعاد فرهنگی مرمت صورت گیرد، چرا که در بنا انسانی با ویژگیهای فرهنگی زندگی می‌کند. مرمت بنا بدون توجه به این ویژگیهای فرهنگی به معنای جداسازی انسان از بنا خواهد بود که امری بی‌معناست. بنابراین در مرمت ابنیه و بافت قدیمی شهر و بازار، بیش از هر چیز نیاز به شناخت انسانها و ویژگیهای فرهنگی انسانهایی است که در این مکانها زندگی می‌کنند. با عنایت به این نکات، مرمت ابنیه و بافت قدیمی شهر و بازار قزوین، بیش از هر چیز نیازمند شناختی فرهنگی از آن مناطق است، تا با حصول به آن شناخت، مرمت در حوزه مورد بحث به گونه‌ای منطبق با انسانهای ساکن در آن مناطق صورت گیرد و به بافت فرهنگی - اجتماعی آن مناطق لطمه‌ای وارد نسازد. در واقع، انسان در درون شبکه‌ای از روابط اجتماعی و فرهنگی زندگی می‌کند و مسکن و بناها در شکل‌دهی و بازتولید این روابط نقش اساسی دارند. بدین گونه است که روابط همسایگی و ارتباطات در مناطق مختلف شهر همگام با تفاوت انسانهای ساکن در آن منطقه و شکل ابنیه و مساکن، متفاوت می‌شود. انسان حاشیه شهری، با همسایگان خود به گونه‌ای خاص رفتار می‌کند، در حالی که انسان ساکن در مناطق بالای شهر با توجه به سبک زندگی خاص خود، الگوهای رفتاری ویژه‌ای با همسایگانش دارد.

روش‌شناسی پژوهش

مردم‌شناسی از جمله گسترده‌ترین دانش‌های اجتماعی - فرهنگی به شمار می‌رود. به تعبیری مردم‌شناسی علمی است که در آن رفتارهای انسان به مثابه عضوی از گروه‌های فرهنگی و اجتماعی مورد مطالعه قرار می‌گیرد. بنابر چنین تعبیری، حوزه مطالعاتی مردم‌شناسی دامنه بزرگی از رفتارهای انسانی را شامل می‌شود. بخشی از مهمترین حوزه‌های مطالعاتی در مردم‌شناسی، به مردم‌شناسی فرهنگی - بخشی از مردم‌شناسی - اختصاص پیدا می‌کند.

این شاخه از مردم‌شناسی دقیقاً مختص مطالعه خصوصیات فرهنگی - اجتماعی جوامع مختلف است. این امر، به مردم‌شناس این اجازه را می‌دهد تا به مطالعه انسان و فرهنگ در همه جوامع جدید پردازد. چنانچه موضوعات مورد مطالعه در حوزه مردم‌شناسی فرهنگی در حیطه شهری صورت گیرد، با مردم‌شناسی شهری نیز مرتبط خواهد بود. با عنایت به مطالب فوق، پژوهش فرهنگی در خصوص الگوهای فرهنگی معماری، در گستره مردم‌شناسی فرهنگی جای خواهد گرفت. گستره‌ای که در قلمرو مردم‌شناسی آن، فرهنگ و هنر با یکدیگر تلاقی می‌کنند. در واقع، مطالعه مردم‌شناختی الگوهای فرهنگی معماری و اسکان، در جوامع شهری، بخشی از مردم‌شناسی فرهنگی و شهری است که در آن ذهنیات، نگرشها و کلاً الگوهای ذهنی مربوط به اسکان و ساختمان مورد مطالعه قرار خواهد گرفت.

این پژوهش، با عنایت به این نکته که پژوهشگر در پی بررسی الگوهای فرهنگی اسکان و معماری در محلات قدیمی و بازار شهر قزوین است، در حوزه مردم‌شناسی فرهنگی و شهری قرار می‌گیرد. در این مطالعه، مواد و مصالح به کار رفته در بنا، رنگها، فضاها، کارکردهای بخشهای مختلف بناهای محلات قدیمی شهر قزوین و میزان انطباق آن با نیازهای زندگی امروز شهری و کلاً ذهنیت ساکنان آنها نسبت به بناهایشان و همین طور، بافت قدیمی مناطق مختلف بازار قدیمی قزوین، به همراه میزان انطباق آن با نیازهای بازارهای جدید و طرز تلقی ساکنان آنها بررسی خواهد شد.

با توجه به موضوعهای و هدفهای پژوهشی فوق‌الذکر، واحدهای مطالعاتی در مطالعه فرهنگی محلات قدیمی شهر قزوین، هر یک از محلات، و در مطالعه فرهنگی بافت قدیمی

بازار قزوین هر یک از میدانها و سراها خواهد بود*.

متناسب با موضوعها و هدفهای پژوهشی و واحدهای مطالعاتی، روشهای گردآوری اطلاعات، مجموعه روشهای مشاهده مشارکتی، صدا برداری، عکس برداری و مصاحبه همراه با پرسشنامه است. به عبارت دقیقتر، در این پژوهش از روشهای چندگانه گردآوری اطلاعات استفاده خواهد شد تا موضوعهای موردنظر در واحدهای مطالعاتی دقیقاً بررسی شوند. کاربرد ابزارها و روشهای گردآوری اطلاعات، به کسب اطلاعات و یافتههای مردم‌نگارانه‌ای منتج خواهد شد که آغاز راه تحلیل مردم‌شناختی است. به زبان دیگر "بعد از آنکه گردآوری در محل به اتمام رسید، مهمترین مسأله موردنظر، شرح و تفسیر مطالب و یافته‌ها با دیدی انتقادی و ترکیب و تعمیم آنها در مرحله نهایی است" (عسکری خانقاه ۱۳۷۳، ص ۱۶).

نظری بر موقعیت جغرافیایی و پیشینه تاریخی قزوین

استان قزوین** با وسعتی معادل ۱۵۸۲۰ کیلومتر مربع و با سابقه‌ای از فرهنگ و هنر ایران در حوزه مرکزی کشور "بین ۴۸ درجه و ۴۵ دقیقه تا ۵۰ درجه و ۵۰ دقیقه طول شرقی از نصف‌النهار گرینویچ و ۳۵ درجه و ۲۷ دقیقه تا ۳۶ درجه و ۴۵ دقیقه عرض شمالی نسبت به خط استوا قرار دارد" (معاونت آمار و اطلاعات سازمان برنامه و بودجه استان قزوین، ۱۳۷۸). استان قزوین از شمال به مازندران و گیلان، از غرب به زنجان و همدان، از جنوب به استان مرکزی و از شرق به استان تهران محدود می‌شود.

مردم قزوین از نژاد آریایی و خانواده دیلم بوده‌اند. "بنا به نگارش مورخان یونانی پیش از آمدن آریاها به فلات ایران، مردمی در یک قسمت از دره‌های شمالی می‌زیستند که «مرد» یا «آمارد» خوانده می‌شدند. اینها مردمی سلحشور و جنگجو بودند و در عین تنگدستی و منتهای فقر همواره آزاد زیسته و با هر تجاوزی درآویخته بودند، مؤلف ایران باستان جایگاه این طایفه را نواحی تنکابن ذکر کرده است، لیکن چون سفیدرود را در قدیم «آمارد» می‌گفتند به نظر می‌رسد

*. برخی محله‌ها و بازارهای مورد مطالعه عبارت‌اند از: پنبه ریه، صالحیه، دباغان، گل بینه، راه ری، خندق بار، مغلاوک، راه چمان و... بازار زرگرها، موکت فروش‌ها، علافها، کفاشها، بنکدارها و...

** استان قزوین بر اساس قانون مصوب مورخه ۱۳۷۶/۳/۴ مجلس شورای اسلامی، به عنوان بیست و هفتمین استان کشور و از انتزاع شهرستان‌های قزوین و تاکستان از استان‌های تهران و زنجان به مرکزیت شهر قزوین ایجاد گردید (معاونت هماهنگی و برنامه‌ریزی سازمان برنامه و بودجه استان قزوین، بهمن ۱۳۷۸، ص ۵).

که دره شاهرود و سفیدرود جزو منطقه آنها بوده است... در هر حال چیزی که قابل تردید نیست این است که آریاها به اختلاف روایات اعم از اینکه از جانب شرقی به فلات ایران آمده یا از معابر قفقاز به این سرزمین رسیده باشند در سراسر ایران پراکنده شده و متوقف گردیده‌اند... اینکه سکنه قزوین را از دیلم دانستیم برای این است که زبان آنها نیز مانند زبان دیلم بوده یعنی همچون مردم رودبار و الموت کنونی گفتگو می‌کرده‌اند" (گلریز، ۱۳۳۷، ص ۳۳۹).

بنای نخستین قزوین را شاپور اول ساسانی به نام شادشاپور، به منظور حفاظت از تهاجم دیالم بنیان گذاشت. در دوره فتوحات اسلامی یکی از سرداران بنام عرب (براء بن عازب) آن را محاصره کرد و مردم اسلام را پذیرفتند و "این محل مستحکم که در دوره ساسانیان پایگاهی برای جلوگیری از مهاجمین دیلمی بود، مبدأ عملیات بعدی مسلمانان شد" (اقصی، ۱۳۵۶، ص ۲۰۴۸).

قدیم‌ترین اسناد درباره قزوین از "قدامة بن جعفر" است که در نیمه دوم قرن ۳ هجری زندگی می‌کرده است و می‌گوید: "دژ قزوین به فارسی «کشوین» خوانده می‌شود و...» (ورجاوند، ۱۳۷۷، ص ۱۰۳).

تعبیر دیگری نیز از نام قزوین شده و آن واژه کاسپین^۱ است؛ "معروف‌ترین نظریه باستان‌شناسی و انسان‌شناسی تاریخی بازگو کننده سکونت قومی است به نام کاسپین، در سرزمین پهناوری بیش از منطقه کنونی قزوین، هزاران سال زندگی کرده و دریای مازندران یا بحر خزر را به نام خود (دریای کاسپین = قزوین) درآورده‌اند" (تکمیل همایون، ۱۳۷۶، ص ۴۹). از نامهای دیگر قزوین «باب الجنه» است. بر اساس روایتی، پیامبر گرامی اسلام، حضرت محمد (ص) قزوین را «باب الجنه» نامیده‌اند.

برخی از بناها و یادمانهای تاریخی و فرهنگی قزوین عبارت است از: سردر عالی قاپو، عمارت چهل ستون، قلعه الموت، حمام شاه عباس، آب انبار حاجی کاظم، آب انبار حکیم، پل شاه عباس، پل لوشان، مجموعه بازار قزوین، کاروان‌سرای پنبه، کاروان‌سرای سلطان آباد، سرای وزیر، سرای سعدیه (سرای سعد السلطنه)، دروازه‌های قزوین، مسجد جامع کبیر، مسجد حیدریه، مسجد النبی، مسجد و مدرسه سردار، آرامگاه حمد الله مستوفی، آرامگاه صدر جهان (امام زاده اباذر)، امام زاده اسماعیل، امام زاده آمنه خاتون، پیغمبریه و...*

شهر قزوین در سرشماری‌ها و آمارگیری‌های سالهای ۱۳۴۵، ۱۳۵۵، ۱۳۶۵، ۱۳۷۰،

1. Caspian

*. برای اطلاع بیشتر ر.ک. به: زنده دل حسن و همکاران: "راهنمای جامع ایرانگردی، استان قزوین"، تهران، نشر ایرانگردی، ۱۳۷۷

۱۳۷۵ به ترتیب ۸۸۱۰۶، ۱۳۹۲۵۸، ۲۴۸۵۹۱، ۲۷۸۸۲۶، ۲۹۱۱۱۷ نفر جمعیت داشته است (مرکز آمار ایران ۱۳۷۹، ص ۶۶).

گذری بر مسکن

شناخت مسکن و مرمت و بازسازی آن در هر نقطه از کره خاک و در هر زمان نیازمند نگاهی ژرف و عمیق به ابعاد گوناگون زیستی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آن منطقه است که بی آن، پژوهش مردم‌شناسی، پژوهشی سترون و بی‌هویت است. در این مجال سعی بر این است تا با نگاهی موشکافانه و کاوشی ژرف در بافت قدیم شهر قزوین، بر مرمت آن نیز به تمامی نظر افکنیم تا بدانیم مرمت از دید ساکنان چگونه پذیرفته می‌شود و ثمره نیک آن چیست؟ زیرا بر این عقیده‌ایم که بازسازی و مرمت بی‌عنایت به شرایط و ویژگیهای فرهنگی ساکنان زمین تحقیق، درختی بی‌برگ و بار و زمینی خشک و شوره‌زار است.

شهر قزوین و بافت قدیمی خانه‌ها

گذر از کوچه پس کوچه‌های شهر قزوین و نظری کنجکاوانه به ساخت و بافت خانه‌ها نشان از آن دارد که در بافت قدیم اغلب خانه‌ها با حیاطی مستقل کنار یکدیگر قرار دارند. دیوار خانه‌ها از خشت و گل و آجر و پشت‌بام از تیرچوبی و شیروانی یا آجر و آهن است. قریب به اتفاق حیاط‌ها از معابر و خیابانها پایین‌تر بوده و باچند پله از معبر فرو می‌افتند. به تناسب کوچه پس کوچه‌های نامنظم بافت قدیم، در ورودی خانه‌ها غالباً از حیاط و سمتی باز می‌شود که با واسطه‌ای کمتر به معبر راه یابد. بسیاری از خانه‌های سنتی آب انبار دارند که غالب آنها در گذر زمان با مواد و مصالح پرشده و با کف زیرزمین و حیاط هم‌سطح شده‌اند. این ابنیه در گذشته و حال با هدف رفع نیاز ساکنان شکل گرفته و ابنیه با ارزش و کیفیت معمارانه در بناهای خاص چون معابر، امامزاده‌ها، مساجد و منازل اشراف تجلی یافته‌اند. در واقع معماران خانه‌های معمولی محلات قدیمی قزوین در طراحی و معماری سبک شاخص و منحصر به فردی را از گذشته پی‌نگرفته‌اند. مگر برخی از واحدهای مسکونی متعلق به ثروتمندان و رجال شهر که دارای شکل و شیوه خاصی است و حتی در مواردی، مصالح آنها از جمله چوب ستونها و سقفها از کشورهایمانند روسیه در زمان جنگ جهانی دوم تهیه شده است. پس از ورود به حیاط، در

یک سو یک یا دو اتاق وجود دارد و در صورت ادامه پله‌ها به سمت پایین، محدوده حیاط آغاز می‌شود و در ادامه، زیرزمین و آب انبار قرار می‌گیرد، در واقع، این همان شکل معماری و ترکیب غالب واحدهای مسکونی بافت قدیم شهر قزوین است، که به تدریج با تخریب و نوسازی واحدهای مسکونی در حال زوال است و جای آن را شکل و شیوه جدید ساختمان‌سازی، یعنی ساختمانهای چند طبقه و چند واحدی می‌گیرد.

خانه و خانواده

خانه مکان آسایش خانواده و فراغت آن است. از این رو هر منطقه خانه باید مطابق با نیازهای ساکنانش شکل گیرد. به بیان دیگر "برای عملکرد صحیح مسکن و واحدهای مسکونی در هر منطقه از کشور بایستی واحدهای مسکونی حتی الامکان با خصوصیات سنتی و خلق و خوی مردم، وضعیت آب و هوایی منطقه، تعداد افرادی که در واحدهای مسکونی سکنی می‌گزینند، جنس ساختمانها، واحدهای مسکونی و نیازهای افراد خانوار از یک مسکن راحت که با خصوصیات اجتماعی و اقتصادی آنها وفق دهد، منطبق باشد" (شیعه ۱۳۶۹، ص ۲۱۹). در شهر قزوین نیز خانه جای امن و آسایش خانواده است؛ مکانی برای گرد هم آمدن، تبادل آرا و تألیف قلوب. بررسیها نشان می‌دهد که با وجود بافت قدیمی و سنتی خانه‌ها گرایش ساکنان به سوی خانواده‌های هسته‌ای بیشتر (۷۶/۴۷ درصد) است. در غالب واحدهای مسکونی (۵۲/۹۴ درصد) تنها یک خانواده زندگی می‌کنند (جدول شماره ۱). خانواده‌های ساکن در بافت قدیم، سنتی نیستند، بلکه رو به سوی تجدد دارند. به عبارتی دیگر پوسته (بناها و مساکن) با مغز (خانوار ساکن در واحد مسکونی یا بنا) سنخیتی در قدمت و سنت ندارد. بناها نسبتاً قدیمی و فرسوده، اما ساکنان هسته‌ای و جدید هستند.

جدول شماره ۱. تعداد خانواده‌های ساکن در بنا

ردیف	مقولات	تعداد	درصد
۱	یک خانواده	۵۴	۵۲/۹۴
۲	دو خانواده	۳۰	۲۹/۴۱
۳	سه خانواده	۱۸	۱۷/۶۵
	جمع	۱۰۲	۱۰۰

جدول شماره ۲ نشان دهنده شاخص خانوار در واحدهای مسکونی کشور است.

جدول شماره ۲. واحدهای مسکونی معمولی* بر حسب تعداد خانوار معمولی ساکن

شرح	جمع	۱ خانوار	۲ خانوار	۳ خانوار	۴ خانوار و بیشتر	اظهار نشده
آبان ۱۳۴۵	۳۸۹۸۷۱۹	۳۱۷۱۰۷۷	۴۹۰۲۲۲	۱۴۹۰۹۵	۸۸۳۲۵	۰
آبان ۱۳۵۵	۵۳۰۵۵۳۸	۴۳۸۸۶۳۵	۴۴۶۷۴۷	۱۸۰۳۱۰	۸۹۸۴۶	۰
مهر ۱۳۶۵	۸۲۸۸۹۲۰	۷۲۳۸۵۵۵	۸۳۷۶۶۴	۱۶۶۵۸۹	۴۶۱۱۲	۰
آبان ۱۳۷۵	۱۰۷۷۰۱۱۲	۹۵۶۰۴۶۵	۹۷۰۷۳۳	۱۶۷۵۹۰	۳۷۱۶۵	۳۴۱۵۹
نقاط شهری	۶۹۱۳۷۳۰	۶۰۹۸۳۲۲	۶۶۱۳۴۱	۱۱۱۰۸۹	۲۳۶۸۹	۱۹۲۸۹
نقاط روستایی	۳۸۵۶۳۸۲	۳۴۶۲۱۴۳	۳۰۹۳۹۲	۵۶۵۰۱	۱۳۴۷۶	۱۴۸۷۰

مأخذ: مرکز آمار ایران، سالنامه آماری کشور ۱۳۷۸، ص ۳۶۱.

بناهای مسکونی

بررسی قدمت بناها برای شناخت عناصر و اجزا و مرمتی که با گذشت زمان در آنها صورت گرفته یکی از ضروریات است. به بیان دیگر "شناسایی اجزاء ساختمان و اینکه در یک مجموعه کالبدی "خانه"، هر عنصر تا چه اندازه در زمان گذشته تغییر شکل داده است و عوامل خارجی و داخلی مخصوص سکونت تا چه میزان در حال حاضر در ایستایی و دوام آن تأثیر می‌گذارد، از اهمیت بسزایی برخوردار است. بدین منظور بایستی نخست عمر بنا، تغییر شکل بنا، قسمتهای حذف شده آن، ملحقات تازه به بنا، شناخته و برداشت گردند و سپس مسایل دیگری مثل رسوخ‌های آب، فرسودگی‌ها، افت‌ها و تعمیرات مربوط که در ایستایی و دوام بنا تأثیر بسزایی دارند، مورد دقت قرار گیرند" (مهندس مشاور مندا ۱۳۶۹، ص ۸).

عمر غالب بناهای مسکونی مطالعه شده در بافت قدیم شهر قزوین بین ۲۱ تا ۴۰ سال است (جدول شماره ۳ و نمودار شماره ۱). امروزه بناهای با بیش از ۴۰ سال قدمت دیگر به سختی توان و تحمل جمعیت و تأسیسات متناسب با سلیقه‌ها و علایق ساکنان را دارند و برای تطبیق با شرایط زمانی کنونی بایستی تخریب و بازسازی شوند. اما ساختمانهای با قدمت کمتر، که اقشار کم درآمد در آنها مستقر شده‌اند و این واحدها را به جهت قیمت مناسب آنها برای سکونت انتخاب کرده‌اند، تا حدودی می‌توانند پاسخگوی نیازهای ساکنان باشند. از این رو،

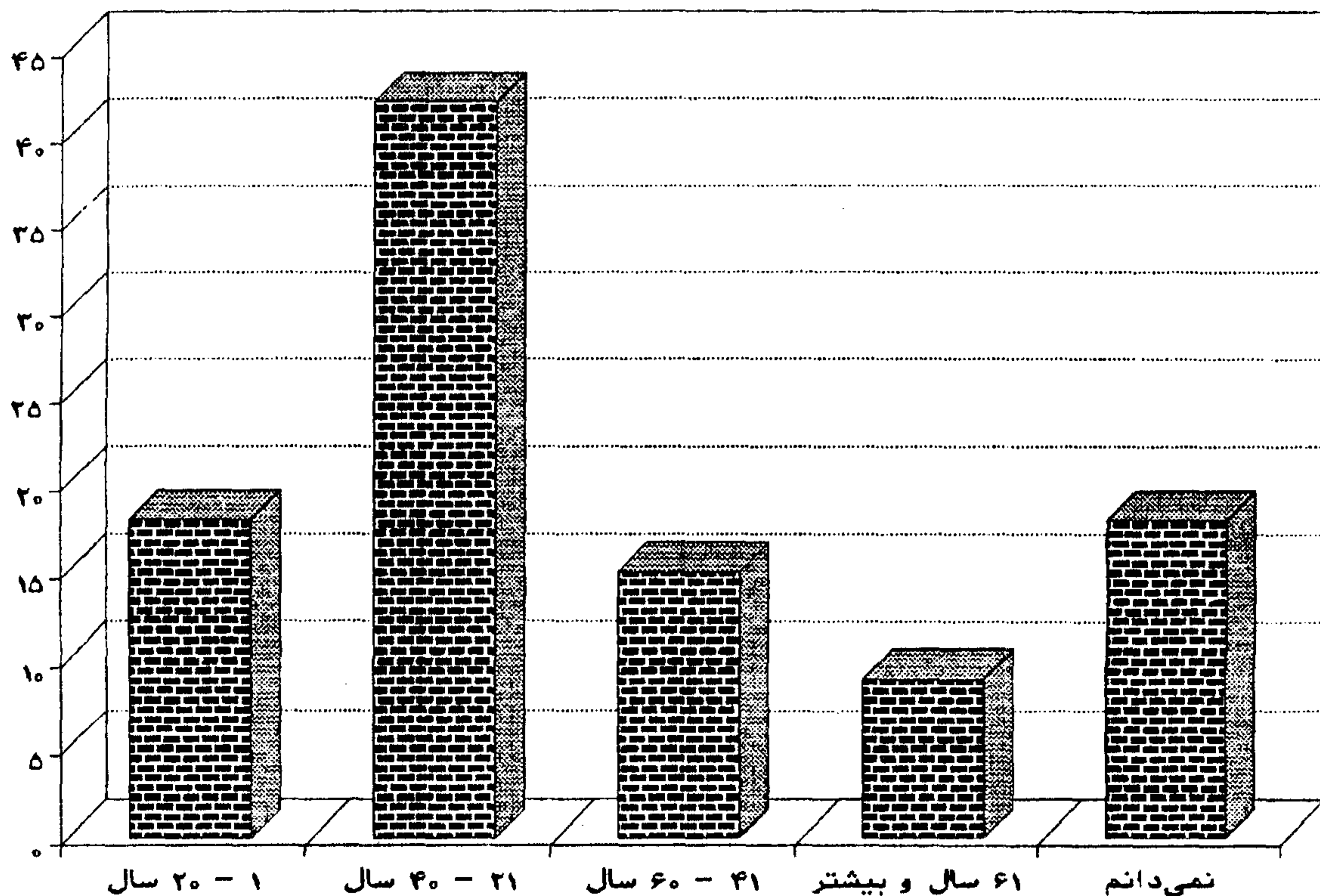
*. آمارهای مندرج در سالهای ۱۳۴۵، ۱۳۵۵ و ۱۳۶۵ مربوط به تعداد کل واحدهای مسکونی است.

برای تداوم زندگی در آنها مرمت و تعمیر امری ضروری به نظر می‌رسد. زیرا از یک سو با صرفه‌تر از بازسازی است و از سوی دیگر می‌توانند نیازهای جدید ساکنان را با توجه به مقتضیات و شرایط زمانی و مکانی روز فراهم آورند. بر این اساس اغلب خانه‌های بافت قدیم حداقل یک تا دو بار و حداکثر پنج بار و بیشتر مرمت شده‌اند (جدول شماره ۴ و نمودار شماره ۲)، که دلیل ۶۲/۵ درصد (از ۷۲ مورد) از این مرمت‌ها قدمت، استهلاک و فرسودگی بنا بوده است (جدول شماره ۵).

جدول شماره ۳. خانه شما کی ساخته شده است؟

ردیف	مقولات	تعداد	درصد
۱	۲۰-۱ سال	۱۸	۱۷/۶۵
۲	۲۱-۴۰ سال	۴۲	۴۱/۱۸
۳	۴۱-۶۰ سال	۱۵	۱۴/۷۰
۴	۶۱ سال و بیشتر	۹	۸/۸۲
۵	نمی‌دانم	۱۸	۱۷/۶۵
	جمع	۱۰۲	۱۰۰

نمودار شماره ۱. خانه شما چه زمانی ساخته شده است؟



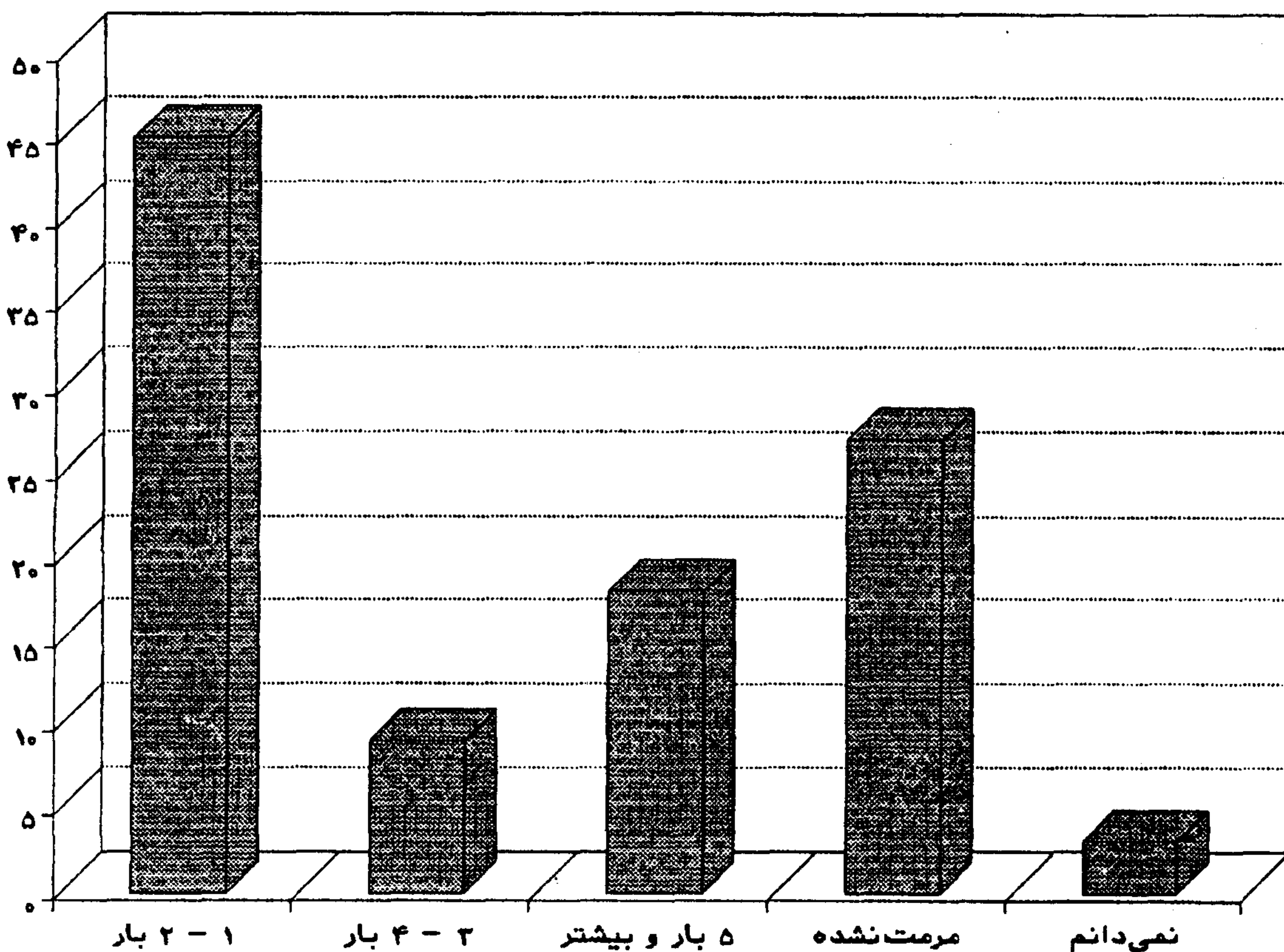
جدول شماره ۴. خانه شما چند بار مرمت شده است؟

ردیف	مقولات	تعداد	درصد
۱	۱-۲ بار	۴۵	۴۴/۱۲
۲	۳-۴ بار	۹	۸/۸۲
۳	۵ بار و بیشتر	۱۸	۱۷/۶۵
۴	مرمت نشده است	۲۷	۲۶/۴۷
۵	نمی دانم	۳	۲/۹۴
	جمع	۱۰۲	۱۰۰

جدول شماره ۵. دلیل مرمت خانه چه بوده است؟

ردیف	مقولات	تعداد	درصد
۱	قدمت، استهلاک و خرابی	۴۵	۶۲/۵
۲	بهبود وضع اقتصادی	۳	۴/۱۷
۳	افزایش تعداد افراد خانواده	۶	۸/۳۳
۴	ازدواج فرزندان و سکونت آنها در خانه	۳	۴/۱۷
۵	تفکیک خانه و حذف برخی قسمتهای خانه	۶	۸/۳۳
۶	بدون پاسخ	۹	۱۲/۵
	جمع	۷۲	۱۰۰

نمودار شماره ۲. مرمت بناها



۵۰ درصد (از ۷۲ مورد) مرمت نیز در فضای داخلی خانه‌ها و از جمله دیوارها، سقف‌ها، اتاق‌ها، طبقات، حمام، آشپزخانه و ... صورت گرفته، گرچه فضای خارجی از جمله نما، پشت بام، حیاط، زیرزمین و ... از این مرمت‌ها بی‌نصیب نبوده است (جدول شماره ۶). زیرا به طور اساسی حیات بناها و فضاهای معماری با زندگی انسان ساکن در آن عجین است و تداوم حیات بنا در گرو تطابق آن با نیازهای انسان، اندیشه و سلیقه اوست. "به بیان دیگر فرآورده‌های معماری، بر فضای زمانی خاصی که گاه تجدید شده می‌نماید، گسترده می‌شود: نقطه‌ای آغازین دارد و نقطه دیگر، به عنوان لحظه‌ای که عمل طرح و تدوین و ساختن کالبد آن خاتمه یافته، پایان آن را می‌نمایاند و این نه تنها به دلیل اینکه هر ساختمانی پس از پایان بنایش شروع به تغییرهای محسوس می‌کند، بلکه به این دلیل که زندگی حقیقی بناها با زندگی انسان در آنها آغاز می‌گردد و تأثیرگذاری این زندگی بر پیکره بنا امری روزمره است که رفته رفته به تغییر و تحولاتی متفاوت می‌انجامد و بیشتر از اینها به دلیل اینکه قصور انسان در ساختمانی که برایش طرح و تدوین و بنا می‌گردد، از همان آغاز طرح و تدوین تا لحظه پایان یافتن ساخت به صورت مجازی تحقق می‌پذیرد و حضور انسان در بنا، بی‌اندیشه‌ها، سلیقه‌ها و نیازهای او - که در زمان متغیرند - ناممکن است. عجین بودن بناها با انسان‌هایی که در آنها می‌زیند به عنوان یک اصل اساسی مطرح است" (فلامکی ۱۳۶۵، ص ۹۰).

جدول شماره ۶. کدام قسمت‌ها مرمت شده است؟

ردیف	مقولات	تعداد	درصد
۱	فضای خارج خانه شامل: حیاط، زیرزمین، نمای خارجی، در خانه، پشت بام و ...	۳۰	۴۱/۶۷
۲	فضای داخل خانه شامل: دیوارها، اتاقها، طبقات، سقفها، حمام، آشپزخانه، توالت، راهروها و ...	۳۶	۵۰
۳	سایر	۶	۸/۳۳
	جمع	۷۲	۱۰۰

اغلب خانه‌های بافت قدیمی شهر از ۳ تا ۴ اتاق تشکیل شده‌اند (جدول شماره ۷) که این اتاقها از جهت مساحت تقریباً مشابه یکدیگرند و برخلاف مساحت و کارکردهای متفاوت اتاقها، در ساختمانهای امروزی، کارکردی عام دارند و برای امور گوناگون مورد استفاده قرار می‌گیرند، زمانی با ورود مهمان به خانه، مهمانخانه می‌شوند، به هنگام گردآمدن اهل خانه،

حکم اتاق نشیمن می‌یابند و شب هنگام مکان خواب و آرامش ساکنان هستند و حتی در روزگاه کارکرد آشپزخانه را دارند.

جدول شماره ۷ - خانه شما چند اتاق دارد؟

ردیف	مقولات	تعداد	درصد
۱	۲-۱ اتاق	۲۴	۲۳/۵۳
۲	۴-۳ اتاق	۴۸	۴۷/۰۶
۳	۶-۵ اتاق	۱۵	۱۴/۷۰
۴	۷ اتاق و بیشتر	۱۵	۱۴/۷۰
	جمع	۱۰۲	۱۰۰

شاید بتوان گفت که این شکل استفاده از اتاقها خصیصه مشترک اکثر خانه‌های سنتی در ایران زمین است. برای مثال در شهر هویزه نیز خانه‌های سنتی کارکردی عام دارند به طوری که "در مسکن سنتی هر اتاق محل خور و خواب و استراحت خانواده‌ها و همچنین محل عبادت و انجام فرایض یومیه دینی بوده و کارکردهای دیگر نیز داشته است. مانند انبار و حتی گاهی محل تهیه خوراک و انجام آشپزی نیز بوده است" (خجسته ۱۳۷۶، ص ۷۹).

نحوه تصرف واحدهای مسکونی در سال ۱۳۷۵ در کشور حاکی از آن است که در نقاط شهری ۴۹۳۳۷۶۰ خانوار در زمینهای ملکی عرصه و اعیان، ۳۵۷۷۵۲ خانوار در زمینهای ملکی اعیان، ۱۶۵۶۹۳۶ خانوار در خانه‌های استیجاری و ۲۰۷۱۰۶ خانوار در خانه‌هایی زندگی می‌کنند که در برابر خدمت به آنها واگذار شده است.

جدول شماره ۹. خانوارهای معمولی ساکن در واحدهای مسکونی معمولی

بر حسب نحوه تصرف محل سکونت

شرح	جمع	ملکی عرصه و اعیان	ملکی اعیان	اجاره‌ای	در برابر خدمت	مجانی	سایر	اظهار نشده
مهر ۱۳۶۵	۹۶۲۶۹۴۵	۶۸۱۴۲۲۱	۶۱۱۱۳۸	۱۱۵۲۶۷۲	۲۰۵۴۵۱	۷۴۶۱۷۶	۲۹۲۷۴	۶۸۰۱۳
آبان ۱۳۷۵	۱۲۲۸۰۵۳۹	۸۴۴۴۲۰۸	۴۸۱۵۸۳	۱۸۹۳۵۵۲	۳۱۱۳۶۵	۹۸۳۷۶۸	۴۵۴۴۵	۱۲۰۶۱۸
نقاط شهری	۷۹۲۹۸۳۰	۴۹۳۳۷۶۰	۳۵۷۷۵۲	۱۶۵۶۹۳۶	۲۰۷۱۰۶	۶۶۸۳۵۳	۳۱۵۸۱	۷۴۳۴۲
نقاط روستایی	۴۳۵۰۷۰۹	۳۵۱۰۴۴۸	۱۲۳۸۳۱	۲۳۶۶۱۶	۱۰۴۲۵۹	۳۱۵۴۱۵	۱۳۸۶۴	۴۶۲۷۶

مأخذ: مرکز آمار ایران، سالنامه آماری کشور ۱۳۷۸، ص ۳۶۱.

در بافت قدیمی شهر قزوین، در ۵۵/۸۸ درصد موارد بررسی شده نحوه مالکیت واحد مسکونی شخصی بوده و در ۲۹/۴۱ درصد موارد پاسخگویان اظهار داشته‌اند که در خانه پدری زندگی می‌کنند (جدول شماره ۹).

جدول شماره ۹. نحوه تصرف خانه

ردیف	مقولات	تعداد	درصد
۱	استیجاری	۹	۸/۸۲
۲	شخصی	۵۷	۵۵/۸۸
۳	خانه پدری	۳۰	۲۹/۴۱
۴	خانه سازمانی	۳	۲/۹۴
۵	بدون پاسخ	۳	۲/۹۴
	جمع	۱۰۲	۱۰۰

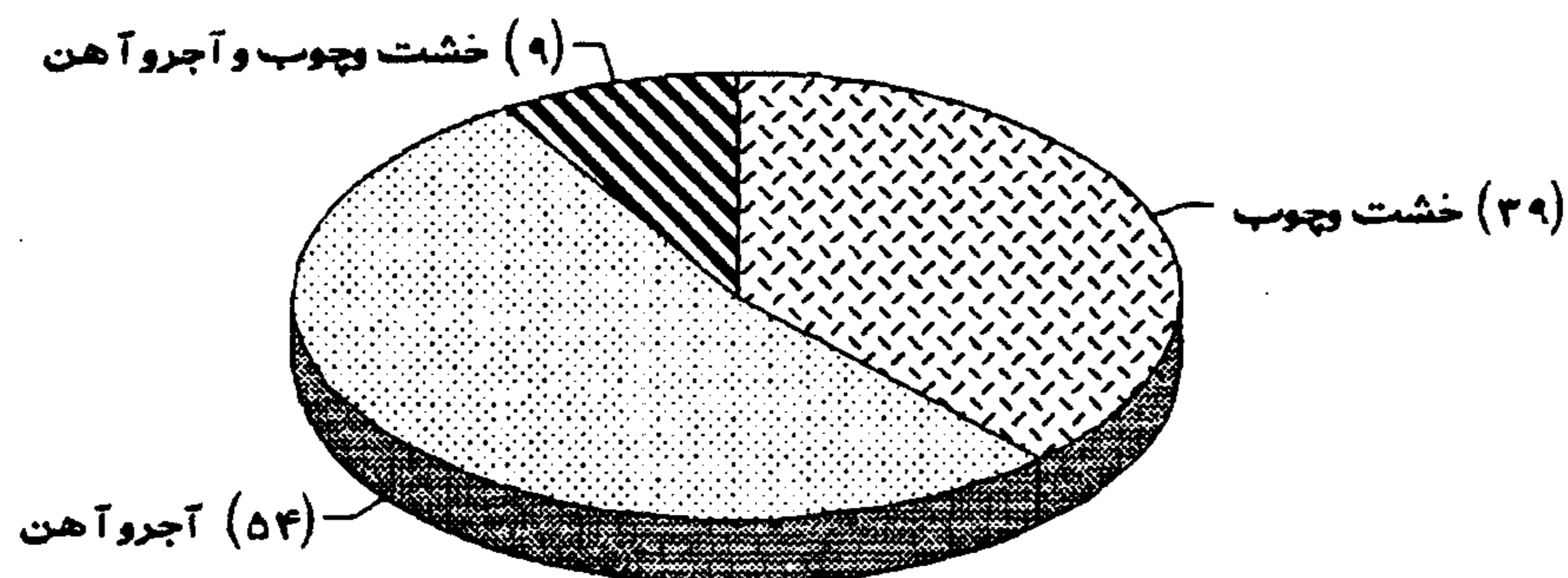
”مشخص کردن اینکه چه نوع مصالح ساختمانی در کدام بخش بنا به کار رفته است معرف خوبی برای وضع معماری موجود می‌باشد. به خصوص که در زمینه مصالح می‌توان در یک بینش اولیه نسبت به موضوع آنها در رابطه با محیط طبیعی و منابع اولیه‌شان، تقسیم‌بندی کرد” (مهندسان مشاور مسکون ۱۳۵۰، ص ۲). عموماً نوع مصالح واحدهای مسکونی را براساس دوام آنها به سه دسته: (۱) مصالح بادوام مانند: اسکلت فلزی یا بتونی، آجر و آهن یا سنگ و آهن، (۲) مصالح نیمه بادوام مانند: آجر و چوب، سنگ و چوب، بلوک سیمانی و تمام آجر یا سنگ و آجر و (۳) مصالح بی‌دوام مانند تمام چوب، خشت و چوب و گل تقسیم می‌کنند*.

۵۲/۹۴ درصد واحدهای مسکونی مورد مطالعه، در بافت قدیم شهر قزوین، را واحدهایی تشکیل می‌دهد که عمده مصالح آنها از نوع بادوام، یعنی آجر و آهن است. در ۳۸/۲۴ درصد واحدهای مسکونی مورد بررسی، خشت و چوب به کار رفته است (جدول شماره ۱۰ و نمودار شماره ۳).

جدول شماره ۱۰. نوع مصالح واحدهای مسکونی مورد مطالعه

ردیف	مقولات	تعداد	درصد
۱	خشت و چوب	۳۹	۳۸/۲۴
۲	آجر و آهن	۵۴	۵۲/۹۴
۳	خشت و چوب، آجر و آهن	۹	۸/۸۲
	جمع	۱۰۲	۱۰۰

نمودار شماره ۳. نوع مصالح واحدهای مسکونی



واحدهای مسکونی بافت قدیم شهر قزوین اغلب (۴۴/۱۲ درصد) دارای آب لوله‌کشی، برق، حمام، چاه فاضلاب و لوله‌کشی گاز هستند، حمام از جمله اجزایی به شمار می‌آید که در چند دهه اخیر به واحدهای مسکونی اضافه شده است.

جدول شماره ۱۱. امکانات خانه شما در چه حدی است؟

ردیف	مقولات	تعداد	درصد
۱	آب لوله‌کشی، برق، حمام، چاه فاضلاب	۴۵	۴۴/۱۲
۲	تلفن، گاز لوله‌کشی، آشپزخانه	۶	۵/۸۸
۳	همه موارد ردیف ۱ به غیر از حمام	۳۶	۳۵/۲۹
۴	همه موارد ردیف ۱ به غیر از تلفن	۹	۸/۸۲
۵	همه موارد ردیف ۱ به غیر از حمام و تلفن	۶	۵/۸۸
	سایر		
	جمع	۱۰۲	۹۹/۹۹

در گذشته ساکنان بافت قدیمی از حمام‌های عمومی استفاده می‌کردند که این امر هنوز در برخی از واحدهای مسکونی فاقد حمام به چشم می‌خورد. از دیگر تسهیلات زندگی که در ۳۵/۲۹ درصد واحدهای مسکونی فقدان آن به چشم می‌خورد، تلفن است (جدول شماره ۱۱). از سوی دیگر ۷۶/۴۷ درصد پاسخگویان اتومبیل ندارند که این امر خود از دو بعد قابل بررسی است: ۱) ساخت معابر و فضاهای عبور و مرور دریافت قدیمی شهر به گونه‌ای است که ورود و خروج اتومبیل به داخل معابر تا نزدیکی خانه‌ها غیر ممکن است. ۲) درآمد خانوارهای ساکن بافت قدیمی آنقدر نیست که بتوانند اتومبیل خریداری کنند.

بررسی درآمدها حاکی از آن است که ۶۴/۷ درصد پاسخگویان بین ۲۰۰۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰۰۰ ریال درآمد داشته‌اند (جدول شماره ۱۲).

جدول شماره ۱۲. توزیع پاسخگویان بر اساس میزان درآمد ماهانه

درصد	تعداد	مقولات	ردیف
۱۱/۷۶	۱۲	۲۰۰۰۰۰ - ۴۰۰۰۰۰ ریال	۱
۲۳/۵۳	۲۴	۴۰۰۰۰۱ - ۶۰۰۰۰۰ ریال	۲
۲۰/۵۹	۲۱	۶۰۰۰۰۱ - ۸۰۰۰۰۰ ریال	۳
۸/۸۲	۹	۸۰۰۰۰۱ - ۱۰۰۰۰۰۰ ریال	۴
۲/۹۴	۳	۱۰۰۰۰۰۱ - ۱۲۰۰۰۰۰ ریال	۵
۲/۹۴	۳	۱۲۰۰۰۰۱ ریال و بیشتر	۶
۵/۸۸	۶	بدون درآمد	۷
۲۳/۵۳	۲۴	بدون پاسخ	۸
۹۹/۹۹	۱۰۲	جمع	

جدول شماره ۱۳. واحدهای مسکونی معمولی دارای امکانات و تسهیلات

بر حسب نوع، در نقاط شهری و روستایی

آبان ۱۳۷۵			مهر ۱۳۵۶			امکانات و تسهیلات
نقاط روستایی	نقاط شهری	کل کشور	نقاط روستایی	نقاط شهری	کل کشور	
۳۸۵۶۳۸۲	۶۹۱۳۷۳۰	۱۰۷۷۰۱۲	۳۵۴۷۶۵۳	۴۶۶۹۷۲۲	۸۲۱۷۳۷۵	کل واحد مسکونی
۳۳۹۶۰۶۷	۶۸۴۸۴۹۶	۱۰۲۴۴۵۶۳	۲۳۲۹۹۲۳	۴۵۷۸۲۹۵	۶۹۰۸۲۱۸	برق
۳۹۶۹۳۲	۳۴۰۶۷۴۸	۳۸۰۳۶۸۰	۲۳۳۱۰	۹۳۸۱۶۷	۹۶۱۴۷۸	تلفن
۲۷۵۴۰۹۰	۶۶۶۳۲۸۹	۹۴۱۷۳۷۹	۱۸۷۴۶۰۷	۴۲۵۲۸۳۸	۶۱۲۷۴۴۵	آب لوله کشی
۳۶۴۷۷	۳۳۵۶۷۷۶	۳۳۹۳۲۵۳	۲۵۳۲۱	۴۷۳۲۲۶	۴۹۸۵۴۷	گاز لوله کشی
۴۸۳۱۴۴	۳۴۱۳۹۹۰	۳۸۹۷۱۳۴	۲۶۵۸۰۰	۲۰۵۱۴۹۰	۲۳۱۷۲۹۰	کولر
۳۲۰۹۳	۶۹۹۶۸۸	۷۳۱۷۸۱	۳۷۰۱۴	۴۱۸۹۷۰	۴۵۵۹۸۵	دستگاه حرارت مرکزی
۱۳۲۳۶	۱۱۷۵۵۲	۱۳۰۷۸۸	۰۰۰	۰۰۰	۰۰۰	دستگاه مرکزی
۲۰۰۲۷۹۰	۶۱۷۱۹۲۹	۸۱۷۴۷۱۹	۹۴۶۸۳۹	۳۵۱۴۷۵۵	۴۴۶۱۵۹۴	آشپزخانه
۱۵۱۱۹۰۹	۵۸۴۰۹۵۲	۷۳۵۲۸۶۱	۶۶۹۹۳۹	۳۱۷۴۸۹۵	۳۸۴۴۸۳۴	حمام
۳۷۰۹۹۷۸	۶۸۸۵۳۲۲	۱۰۵۹۵۵۳۰۰	۳۲۳۶۴۳۰	۴۵۶۰۹۵۷	۷۷۹۷۳۸۷	مستراح
۶۷۵۰۵	۵۸۱	۶۸۰۸۶	۱۶۱۰۹۵	۲۵۷۴	۱۶۳۶۶۹	هیچ کدام
۳۸۰۶	۷۰۶۲	۱۰۸۶۸	۳۰۶۸	۴۶۶۳	۷۷۳۱	اظهاری نشده

مأخذ: مرکز آمار ایران: سالنامه آماری کشور، ۱۳۷۸، ص ۳۶۵.

بررسی تمایل و عدم تمایل ساکنان بافت قدیمی شهر قزوین نشان دهنده آن است که در ۵۵/۸۸ درصد موارد ساکنان خانه‌ها تمایل به تغییر و مرمت بخشهایی از خانه خود دارند که این تغییر و مرمت بیشتر فضای داخل خانه و به ویژه اتاق، آشپزخانه و ... را شامل می‌شود. در مواردی هم ساکنان خانه مایل بودند قسمت‌هایی را به واحد مسکونی اضافه یا قسمت‌هایی از واحد مسکونی را تخریب و بازسازی کنند (جدول شماره ۱۴ و ۱۵ و نمودار شماره ۴). همچنین ساکنان خانه‌ها به هنگام انتخاب رنگ برای قسمت‌های مختلف خانه استفاده از رنگ‌های روشن از جمله کرم روشن و استخوانی و طوسی را، برای فضای داخلی خانه از جمله اتاقها و آشپزخانه، و استفاده از رنگ‌های طبیعی مصالح ساختمانی (سیمان، آجر و سنگ) را برای نمای خارجی خانه ترجیح داده‌اند.

جدول شماره ۱۴. آیا مایل هستید قسمتی از خانه خود را

تغییر دهید؟

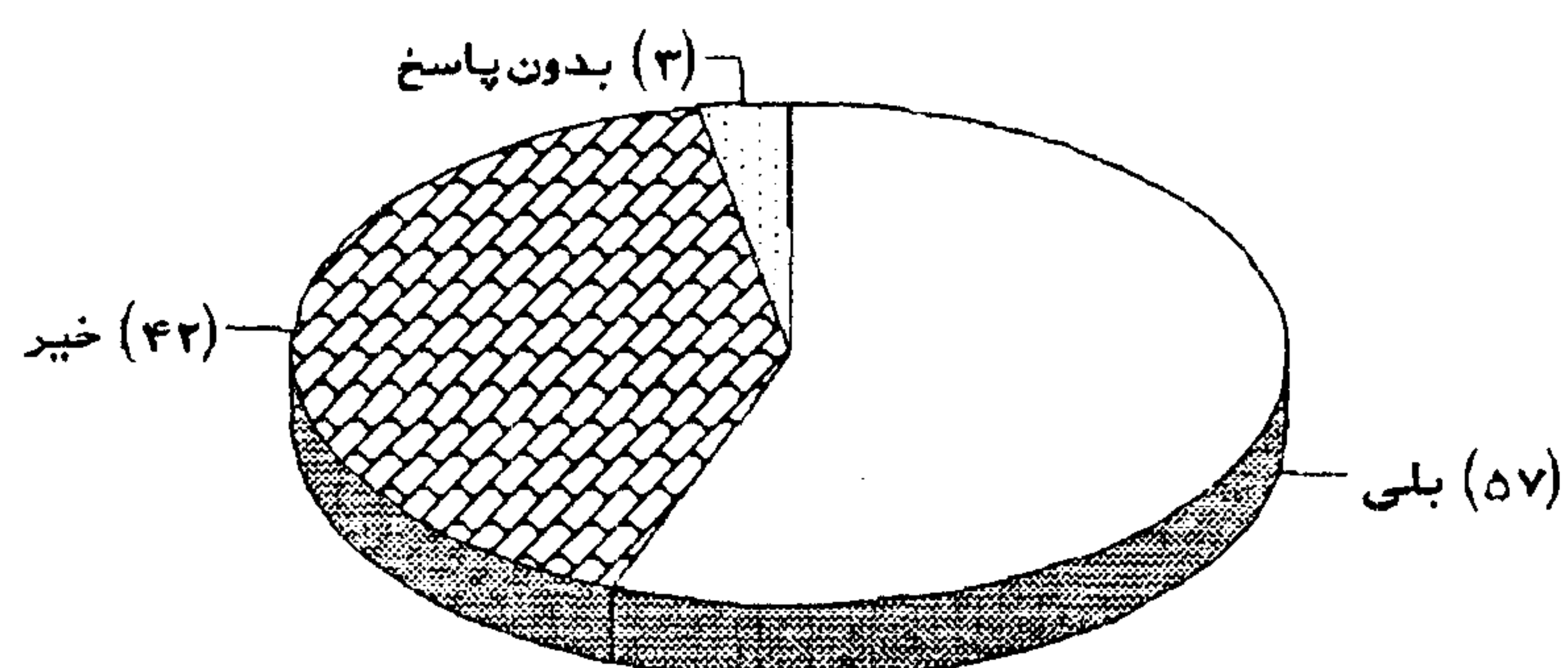
ردیف	مقولات	تعداد	درصد
۱	بلی	۵۷	۵۵/۸۸
۲	خیر	۴۲	۴۱/۱۸
۳	بدون پاسخ	۳	۲/۹۴
	جمع	۱۰۲	۱۰۰

جدول شماره ۱۵. اگر می‌توانستید شکل خانه خود را تغییر دهید،

کدام قسمت را تغییر می‌دادید؟

ردیف	مقولات	تعداد	درصد
۱	فضای خارج خانه شامل حیاط، نمای خارجی، پشت بام و غیره	۳	۵/۲۶
۲	فضای داخل خانه شامل اتاقها، آشپزخانه و ...	۱۵	۳۶/۲۶
۳	همه خانه یا قسمتی از آن را خراب می‌کردم و از نو می‌ساختم	۲۴	۴۲/۱۱
۴	قسمتهایی را به خانه اضافه می‌کردم	۱۲	۲۱/۰۵
۵	سایر	۳	۵/۲۶
	جمع	۵۷	۱۰۰

نمودار شماره ۴. تمایل به مرمت واحد مسکونی



بازار عرصه فعالیت‌های اقتصادی انسان فرهنگی

بازار به مثابه عرصه اجتماعی و فرهنگی همواره مکانی برای بخشی از فعالیت‌های انسان اجتماعی بوده است. در حقیقت، بازار از دیرباز مکانی بوده که در آن حاصل فعالیت‌های انسانی مبادله می‌شده است. نتایج فعالیت‌های انسانی، به منزله محصولات فرهنگی، هم برای برآوردن نیازهای انسانی و هم به منظور عینیت بخشی به قابلیت‌های انسانی به بازار عرضه می‌شده است. از این رو بازار از سویی جنبه اقتصادی و از سویی دیگر ابعاد اجتماعی و فرهنگی داشته است. در عین حال، بازار مکانی است که در آن تبادل فرهنگی و مبادله محصولات و ارتباطات انسانی توأمآ انجام می‌شود. به تعبیری بازار مکانی است که اقشار و طبقات و گروه‌های مختلف اجتماعی، قومی، نژادی و فرهنگی در ارتباط با یکدیگر قرار گرفته و به شکلی ناخودآگاه یکدیگر را تحت تأثیر قرار می‌دهند و باعث اشاعه عناصر و پدیده‌های فرهنگی از یک حوزه فرهنگی به حوزه‌های فرهنگی دیگر می‌شوند.

بازار قدیم قزوین، به مثابه بخش مهمی از حوزه مورد مطالعه، قدمتی چند صدساله دارد و با نگاهی گذرا و سطحی پیداست که کارکردها و نقش‌های خود را به خوبی ایفا کرده است. بازار قزوین قرن‌ها قطب و مرکز اقتصادی شاهان صفویه و مرکز مبادلات و داد و ستدهای بسیاری بوده و علاوه بر ایفای نقش واسط و منتقل کننده محصولات تمدن‌های مجاور، مرکز آرایه محصولات خرده کالایی* تولید شده در دوره صفویه نیز بوده است. در واقع، پایتخت بودن شهر قزوین، در دوره صفویه، اهمیتی اساسی به این بازار داده بود، به طوری که بازارها و سراهایی در این دوره ساخته شد. مهمترین کالایی که در ایران عصر صفویه تولید و در بازارهای مهم کشور و من جمله بازار قزوین مبادله شد، پارچه بود. یافته‌های تاریخی، همچنین، حاکی از آن است که تاجران پیشه‌وران شهری و روستایی و حتی خود شاه نیز در تولید و فروش بسیاری از فرآورده‌های پارچه‌ای سهمی داشتند (کیوانی ۱۹۸۲، صص ۳۹ و ۴۹). در حقیقت، بافندگی یکی از محورهای اصلی صنایع ایران در دوران صفویه محسوب می‌شده و به احتمال قوی بافندگان پارچه و فروشندگان آن یکی از قدرتمندترین اصناف دوره صفویه بوده‌اند (امرسون ۱۹۶۹،

*. مراد از محصولات خرده کالایی محصولاتی است که قبل از رسوخ سرمایه‌داری به درون پادشاهی صفویه و پیش از ادغام ایران در اقتصاد جهانی در بخش شهری ایران تولید می‌شد. پیشه‌وران شهری که به فلزکاری، بافندگی، ساختن ظروف فلزی و محصولاتی نظیر اینها اشتغال داشتند مهمترین قشر تولید کننده محصولات خرده کالایی بودند.

صص ۲۴۸-۲۵۲). دیگر صنایع عمده این دوره، بنابر روایتهای تاریخی، عبارت بود از چینی، کاشی، جنگ‌افزارهایی با کیفیت مرغوب، چرم و صنایع چرمی، مینا، جواهر، رنگ، کاغذ و صابون. همچنین قالی و فرآورده‌های سفالین و فلزی نیز بخشی از محصولات عرضه شده در بازارهای دوره صفویه بود. با گذشت زمان و انقراض سلسه صفویه، به واسطه هجوم افغانها و بی‌ثباتی‌های مداوم و مستمری که به دنبال آن به وجود آمد، تجارت و بخش خرده‌کالایی تولید تضعیف شد و عملاً بازارها از رونق افتادند. با وجود این، با ظهور سلسله قاجار و برقراری ثبات سیاسی نسبی مجدداً در عرصه اقتصادی و تجارت و تولید خرده‌کالایی جنب و جوشی پدید آمد. لیکن به دلیل ادغام کشور در اقتصاد بین‌المللی، عملاً بازار سنتی (بورژوازی ملی) در مقابل سرمایه‌داران وابسته به سرمایه‌داری بین‌المللی، به حاشیه رفته و تضعیف شد. این امر به ویژه در دوره پهلوی کاملاً محسوس بود. بنابراین، بازار قدیم قزوین در دوره صفویه - به ویژه در زمان مرکزیت قزوین - رونق بسیار داشت و از آن دوره تاکنون به دلایلی که اشاره شد از رونق آن کاسته شد. به طوری که هم اکنون در حوزه مورد مطالعه، شاهد تخریب و از بین رفتن بخشی از بازار قدیم هستیم. زیرا که اساساً بازار سنتی قزوین محل عرضه محصولات خرده‌کالایی بود و ساختار داخلی آن با عنایت به شیوه تولید خرده‌کالایی و تجارت همراه با آن شکل گرفته بود، لذا در دوره جدید که شیوه تولید سرمایه‌دارانه، شیوه تولید مسلط است، بدیهی است که بناها و ساختار داخلی بازار قدیم کارایی چندانی برای برآوردن نیازهای فعالان اقتصادی جدید نداشته باشد.

بازار قدیم قزوین - به مثابه حوزه مورد مطالعه - در دوره صفویه شکل گرفته و ساختار و پایه‌های اصلی آن با توجه به فعالیت‌های اقتصادی آن دوره بنا گذاشته شده است. این ادعا را حداقل می‌توان به ادعایی کوچکتر تقلیل داد که "اساساً ساختار بازار قدیم قزوین، همانند ساختار بسیاری از بازارهای سنتی و قدیمی ایران، منطبق و هماهنگ با فعالیت‌های اقتصادی دوران ماقبل سرمایه‌داری^۱ است". با در نظر گرفتن فرض فوق ملاحظه می‌شود که شکل گذرها، سراها، حجره‌ها و کلاً بازار به گونه‌ای است که با روابط اقتصادی دورانهای پیشین منطبق است. با عنایت به این نکته، هم اکنون بسیاری از سراها به منزله انباری است و برخی نیز متروک شده‌اند. البته باید خاطر نشان ساخت که ماهیت فعالیت اقتصادی بسیاری از فعالان اقتصادی کنونی نیز همانند فعالان اقتصادی گذشته بوده است.

لذا، بخشی از بازار سنتی قزوین هنوز کارکرد اقتصادی دارد. برای مثال در بسیاری از نقاط بازار، راسته‌های مختلف مربوط به اصناف خاص ملاحظه می‌شود که هنوز کاملاً فعال هستند.

مسجد و بازار

آنچه ما را در قلمرو بازار با تحول سریع به سوی انرژیهای لایزال آن می‌کشاند تفکر مردمی است که طی قرون به قوام رسیده و اشکال ویژه سنتی خود را در کنار یکدیگر به هم تنیده و عصاره یا خمیرمایه امروزی آن را رقم زده‌اند. در واقع ایمان و قدرت سازندگی آنان در میان مجموعه‌ای از عناصر فرهنگی و اجتماعی، به مناطق عبادی جان داده است و مساجد و معابری را در کنار منابع معیشتی شان برپا داشته است. انسان فرهنگی - زیستی امروز در میان پدیده‌های روزمره اقتصادی محصور بوده و زندگی خود را در کنار همه پدیده‌های فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و بویژه مذهبی (بنابه آیینها و اعتقادات ویژه) بنا نهاده است. به این ترتیب بازار قزوین باعث ظهور بازارهای دیگر در دوره‌های دیگر شده است. یعنی بازار در کنار مسجد، انسان اقتصادی خاصی را به دنیا آورده و حرکت سنتی و معیشتی او را در ارتباط با خانه و خانوار تأمین نموده است. از این به بعد می‌توان گفت که بازارها در کنار مساجد، مساجد در کنار بازارها به دنیا آمدند و خشت اول مذهبی - سنتی بودن گروههایی از انسان ایرانی را رقم زدند.

در بررسی ساختار فرهنگی بازار سنتی قزوین - همانند سایر بازارهای سنتی ایران - باید به ارتباط تنگاتنگ بازار سنتی و مسجد اشاره کرد. وجود مساجد بزرگ در بازارهای سنتی و ارتباط درونی این مساجد با درون بازار، دقیقاً نشان دهنده وجود ساختار بازار در دوران اسلامی و به ویژه دوره صفویه است، که بعدها نیز به دوره‌های پسین منتقل شده است. وجود "مسجد جامع" قزوین، "مسجد النبی" و دیگر مساجد کوچک در کنار بازار سنتی قزوین، دقیقاً مؤید نکته فوق است. در عین حال بررسیهای پیشین نشان می‌دهد مساجد دارای مکانها و مغازه‌های وقفی بسیاری در اطراف بازار هستند و اجاره‌های این دکانها و مغازه‌ها، ماهانه به حساب آن مساجد واریز می‌شود.

فرهنگ فعالیت‌های اقتصادی در بازار

کاوش بیشتر در حوزه مطالعاتی بازار سنتی، به ویژه کاروانسراها، حکایت از آن دارد که در

دهه‌های اخیر فعالیت اقتصادی کاروانسراها رو به کاهش گذاشته و در نتیجه کمتر از آنها استفاده شده است. یکی از کاروانسرای تقریباً متروکه کاروانسرای حاج رضا است. بنابر مشاهدات میدانی، طبقه اول این کاروانسرای قدیمی هم اکنون تبدیل به محل جمع‌آوری حلبی‌ها و طبقه دوم آن تقریباً مخروبه شده است. تنها از برخی حجره‌های باقی‌مانده، به عنوان انباری استفاده می‌کنند. در حالی که روزگاری این گونه کاروانسراها قلب تپنده فعالیت‌های اقتصادی منطقه بوده‌اند. فعالان اقتصادی و حجره‌داران در ساعات غیرکاری در طبقه بالای کاروانسرا بیتوته می‌کردند و در زمان فعالیت اقتصادی در حجره خود حاضر می‌شدند. یکی از این کاروانسراها با فعالیت اقتصادی نسبتاً بهتر (در مقایسه با کاروانسرای حاج رضا)، کاروانسرای وزیر است. مشاهدات میدانی نشان دهنده آن است که این کاروانسرا هم اکنون کارکرد انباری و نمایشگاه را برای تجار قزوینی دارد. این تجار عموماً متمول، در نقاطی از شهر که رونق اقتصادی بالایی دارد، مغازه دارند و از حجره‌هایشان در کاروانسرای وزیر، برای انبار کالاهایشان استفاده می‌کنند. در عین حال برخی از حجره‌داران، حجره‌هایشان را هم به عنوان انبار و هم به منزله محل نمایش کالاهایشان - البته برای فروش بزرگ مقیاس - مورد استفاده قرار می‌دهند. بررسی‌های مردم‌شناختی دقیقتر، حاکی از آن است که این کاروانسرا در انتهای راسته فرش فروشیهای بازار قرار دارد و تا دهه‌های پیشین از محلهای پررونق مبادله فرش به حساب می‌آمد، لیکن با گذشت زمان طبقات اول (حجره‌ها) این کاروانسرا عموماً تبدیل به انبار فرش و طبقه بالای آن نیز بیشتر مبدل به رفوگری شد. چنین تغییر فعالیت اقتصادی دقیقاً نشان دهنده حاشیه‌ای شدن چنین مکانهایی، به لحاظ دامنه فعالیت‌های اقتصادی، است. از کاروانسراهایی که نسبت به دو کاروانسرای فوق از بابت فعالیت‌های اقتصادی وضع بهتری دارد، "کاروانسرای سعد السلطنه" است. در این کاروانسرا هنوز هم فعالیت اقتصادی رونق دارد، لیکن مطالعات نشان می‌دهد که این فعالیتها، عمدتاً از نوع فعالیت‌های تولیدی (مانند کار روی چوب و مبل و صندلی و کابینت و یا کم‌سازی) است. در حقیقت حتی در این کاروانسراها نیز فعالیت‌هایی از نوع فعالیت‌های حمایتی صورت می‌گیرد و محصولات چوبی تولید شده در آن برای فروش به بازار عرضه می‌شود.

از این رو می‌توان گفت که سراها و کاروانسراهای قدیمی و تاریخی بازار قدیمی شهر قزوین یا کاملاً از فعالیت اقتصادی به دور هستند و یا حداکثر در آنها فعالیت‌های تولیدی و حمایتی از بازار صورت می‌گیرد. به هر حال چنین مکانهای تاریخی هم اکنون به لحاظ دامنه فعالیت‌های اقتصادی به مکانهایی حاشیه‌ای بدل شده‌اند. با وجود آنکه ادعای فوق، به قوت خود باقی است، لیکن هنوز در برخی از نقاط بازار سنتی قزوین همچون "گردبازار" در انتهای بازار و

جنب کاروانسرای حاج رسول، جنب و جوشی به چشم می خورد و یکی از نقاط اقتصادی مهم شهر قزوین به شمار می رود. برای نمونه در این قسمت از بازار سنتی قزوین هنوز هم فعالان اقتصادی از صنوف مختلف همچون عطارها، کفاشها، فروشندگان خواربار و بلورفروشان فعال هستند. مطالعات صورت گرفته حاکی از آن است که مشتریان این بازار اغلب از اطراف قزوین می آیند و کالاهایی برای فروش در مناطق خود خریداری می کنند. روابط خریدار و فروشنده در این بخش از بازار سنتی شهر قزوین روابط غیررسمی بوده و عمدتاً متکی به شناخت قبلی است و به همین دلیل هنوز هم فروش به شیوه نسبی در این بازارها به چشم می خورد. در واقع هم خریدار مراجعه کننده فروشنده های خاص خود را دارد و هم فروشندگان با مشتریان خاص خود معامله می کنند. وضعیت مورد بحث، ویژگی تقریباً تمامی بازارهای سنتی شهر قزوین است.

بررسیهای مردم شناختی صورت گرفته در بافت بازار قدیمی شهر قزوین، به ویژه مناطقی که هنوز در آنها فعالیت های اقتصادی دیده می شود، نشان می دهد که اکثر فعالان اقتصادی شاغل در این بازار، سالهای بسیاری است که در این بازار فعالیت می کنند. برای مثال، یافته های میدانی حاکی از آن است که بیش از ۶۶ درصد از بازاریان فعال در راسته های پررونق بازار سنتی قزوین، حداقل ۲۰ سال پیش وارد بازار شده اند و از آن زمان در این بازار فعالیت می کنند. جدول زیر نشان دهنده توزیع پاسخگویان بر حسب سابقه فعالیت اقتصادی آنها در بازار است. (جدول شماره ۱۶).

جدول شماره ۱۶. توزیع نمونه های مطالعاتی در بازار قدیم شهر قزوین

بر حسب سابقه فعالیت اقتصادی آنها در بازار

ردیف	سابقه فعالیت اقتصادی	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
۱	۵-۹ سال پیش	۱۲	۲۰	۲۰
۲	۱۰-۱۴ سال پیش	۴	۶/۷	۲۶/۷
۳	۱۵-۱۹ سال پیش	۴	۶/۷	۳۳/۴
۴	۲۰-۲۴ سال پیش	۱۲	۲۰	۵۳/۴
۵	۲۵ سال و بیشتر	۲۸	۴۶/۶	۱۰۰
	جمع	۶۰	۱۰۰	-

اطلاعات جدول اخیر حاکی از آن است که سابقه حضور فعالان در بازار سنتی شهر قزوین

عموماً بالا است. در عین حال وجود نسلی از بازاریان با سابقه فعالیت اقتصادی کم در بازار سنتی، حکایت از تغییر نسل دارد. یعنی به تدریج پسران به جای پدران به حجره آمده و به کسب پرداخته‌اند. قدمت بازار سنتی قزوین سبب شده است که میانگین سن بازاریان نسبتاً بالا باشد. یافته‌های مطالعات میدانی نشان دهنده آن است که می‌توان دو نسل جوان و سالخورده را در بین شاغلان در بازار سنتی قزوین شناسایی کرد. جدول شماره ۱۷ نشان دهنده توزیع بازاریان مورد مطالعه بر حسب گروه‌های سنی در بازار قدیمی شهر است.

جدول شماره ۱۷. توزیع نمونه‌های مطالعاتی در بازار، بر حسب سن

ردیف	سن	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
۱	۲۵-۲۹ ساله	۱۶	۲۰	۲۰
۲	۳۰-۳۴ ساله	۸	۱۳/۳	۳۳/۳
۳	۴۵-۴۹ ساله	۳	۵	۳۸/۳
۴	۵۰-۵۴ ساله	۸	۱۳/۳	۵۱/۶
۵	۵۵ ساله و بیشتر	۲۹	۴۸/۴	۱۰۰
	جمع	۶۰	۱۰۰	—

بنابر اطلاعات مندرج در جدول فوق افزون بر ۴۸ درصد نمونه‌های مطالعاتی در بازار سنتی قزوین بیش از ۵۴ سال سن داشتند و متعلق به نسلی هستند که باید نسل جوانتر جانشین آنها شود. در عین حال بررسی میزان رضایت شاغلان مذکور از مشاغلشان نشان می‌دهد که نزدیک به ۶۰ درصد از آنها از شغلی که هم اکنون در بازار سنتی قزوین بدان اشتغال دارند راضی هستند. یافته دیگری که تأیید کننده نکته فوق است، عدم تمایل بیش از ۶۶ درصد نمونه‌های مطالعاتی در بازار، به تغییر مغازه‌شان و انتقال آن به نقطه دیگری از شهر است. در استدلال چرایی عدم تمایل بسیاری از پاسخگویان، می‌توان به وجود شبکه‌ای از روابط اجتماعی - اقتصادی موجود در بازار و ارتزاقشان به دلیل اتصالشان به آن شبکه اشاره کرد. در واقع، در بازار سنتی قزوین، سابقه فعالیت، روابط غیررسمی و فعالیت اقتصادی مبتنی بر شناخت متقابل و اعتماد ناشی از آن، شروط اولیه یک فعالیت اقتصادی قوی است. در حالی که یافته‌ها حاکی از آن است که فرزندان ذکور بیش از ۶۰ درصد نمونه‌ها از شغل والدینشان راضی نیستند و کمتر حاضر به ادامه فعالیت پدر در داخل بازار قدیمی و سنتی قزوین هستند. همچنین مطالعات حاکی است که

نزدیک به ۴۰ درصد از نمونه‌های مطالعاتی تجربه تغییر شغل داشته‌اند و عموماً از مشاغلی همچون میوه‌فروشی، کبابی، نفت‌فروشی، پاکت‌سازی، کفاشی و ... به مشاغل نسبتاً بهتر تغییر شغل داده‌اند.

علاوه بر یافته‌های فوق، نتایج مطالعات مردم‌شناختی نشان دهنده آن است که شبکه‌ای از روابط خویشاوندی و فامیلی در بین شاغلان فعال در بازار سنتی شهر قزوین وجود دارد، به طوری که بیش از ۸۰ درصد از نمونه‌های مطالعاتی دارای بستگانی در بازار سنتی هستند. چنین یافته‌ای دقیقاً بیانگر این نکته اجتماعی - فرهنگی است که حمایت‌های خویشاوندی و فامیلی در درون شبکه بازار سنتی هنوز هم دارای کارکرد است و نقش اقتصادی قابل توجهی را ایفا می‌کنند. جدول شماره ۱۸ نشان دهنده درجه قرابت فامیلی و خویشاوندی هشتاد درصد از بازاریان نمونه است که در بازار دارای خویشاوندانی هستند.

جدول شماره ۱۸. توزیع نمونه‌های مطالعاتی در بازار قدیمی شهر قزوین

بر حسب نوع قرابت خویشاوندی‌شان با افرادی در داخل بازار

ردیف	نوع قرابت خویشاوندی	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
۱	بستگان درجه اول	۱۲	۲۵	۲۵
۲	بستگان درجه دوم	۱۶	۳۳/۳	۵۸/۳
۳	بستگان درجه اول و دوم	۸	۱۶/۷	۷۵
۴	بستگان درجه اول و دوم و دور	۴	۸/۳	۸۳/۳
۵	بستگان دور	۸	۱۶/۷	۱۰۰
	جمع	۴۸	۱۰۰	-

ملاحظه می‌شود که از بازاریان دارای خویشاوند و فامیل در بازار، ۲۵ درصد دارای بستگان درجه اول، بیش از ۳۳ درصد دارای خویشاوند درجه دوم و کلاً ۷۵ درصد به نوعی دارای خویشاوند درجه اول و یا درجه دوم و یا هر دو هستند. چنین یافته‌ای مؤید مدعای فوق دال بر وجود نظام‌های فرهنگی - اجتماعی تقویت کننده فعالیت‌های اقتصادی است.

کاوش بیشتر در یافته‌ها و اطلاعات به دست آمده از حوزه مطالعاتی حاکی از آن است که مناسبات اقتصادی فروشندگان حاضر، در بازار سنتی قزوین، عموماً، با افراد خاصی است. بنابر اطلاعات به دست آمده، بیشتر فعالان اقتصادی حاضر در بازار اجناس خود را از تجار بزرگ

توزیع‌کننده خاصی در قزوین خریداری می‌کنند. همچنین بخش بزرگی از فروشندگان فعال در بازار سنتی، اجناس فروشی خود را مستقیماً از تهران و از افراد خاصی خریداری می‌کنند و برای عرضه در بازار قزوین به این مکان می‌آورند. در عین حال، خریداران اجناس عرضه شده در بازار سنتی و قدیمی قزوین، عمدتاً مغازه‌داران و واسطه‌های اطراف شهر قزوین هستند که اجناس را به شکل نقد و نسیه از فروشندگان شاغل در بازار قزوین، برای فروش در شهرها و روستاهای اطراف قزوین، خریداری می‌نمایند. در عین حال یافته‌های مردم‌شناختی حاکی است که زبانهای فارسی، ترکی و زبانهای محلی زبانهایی هستند که در بازار سنتی و قدیمی رایج است و خریداران و فروشندگان بدانها تکلم می‌کنند. البته باید خاطر نشان ساخت که زبان رایج در بین اهالی بازار فارسی است، لیکن زبان ترکی نیز به منزله زبان دوم است که برخی خریداران و فروشندگان با آن سخن می‌گویند. همچنین مطالعات حاکی است که برخی از فروشندگان قدیمی بازار قزوین ترک زبان بوده و به دلیل آنکه مشتریانشان عمدتاً از اطراف شهر قزوین و ترک زبان بوده‌اند، به تدریج زبان ترکی را آموخته‌اند. علاوه بر موارد فوق، بررسی ترکیب قومی مغازه‌داران و کسبه شاغل در بازار قدیمی شهر قزوین نشان دهنده آن است که اکثر این افراد قزوینی و درصد اندکی از آنها ترک هستند. در حقیقت، قومیت ترک به مثابه یک گروه قومی مقبول در جامعه بازار قزوین مطرح است، در حالی که به جز این گروه قومی که اقلیتی را تشکیل می‌دهند، تقریباً هیچ قوم دیگر - که توجه برانگیز باشد - در بین بازاریان دیده نمی‌شود و این امر نشان دهنده همزیستی نسبتاً قدیمی و دیرین دو قومیت فارس (قزوینی‌الاصل) و ترک در بازار سنتی و قدیمی شهر قزوین است.

مطالعه و تفحص فرهنگی - اجتماعی در فضای بازار سنتی قزوین دقیقاً نشان دهنده حضور پررنگ و برجسته عناصر فرهنگی و اجتماعی در محیطی ظاهراً اقتصادی است. در بخشهای پررونق بازار سنتی شهر قزوین، روزانه هزاران نفر از اطراف و اکناف شهر قزوین و حتی از خود شهر قزوین وارد این بازار می‌شوند و به داد و ستد و مراودات اقتصادی می‌پردازند. در بطن این مراودات، همه روزه پدیده‌های فرهنگی - اجتماعی متنوع و پیچیده‌ای ظاهر می‌شود که در فعالیتهای اقتصادی مؤثر است. کاربرد زبان ترکی، استمداد از خویشاوندان، رهنمون شدن خریداران به مغازه‌های خویشاوندان، ایجاد ارتباط غیررسمی و کاملاً مبتنی بر آشنایی با خریداران و مواردی از این دست همه روزه فعالیتهای اقتصادی بازار را تسهیل می‌نماید. گاه مغازه‌دار جوان و کم‌تجربه قزوینی از سابقه درازمدت پدر فوت شده خود برای برقراری ارتباط اقتصادی با خریداران یاری می‌جوید و گاه از برخی از واژه‌های ترکی که آموخته، برای ارتباط

قوی با مشتری استفاده می‌کند. در این بین واسطه‌هایی که از اطراف شهر قزوین همه روزه به این مکان می‌آیند به بازار ساخت خاصی بخشیده و بخشی از فعالیتهای بازار را در جهت برآوردن نیازهای خود شکل داده‌اند. در لابلای هر ارتباط اقتصادی که بین مراجعه کننده و کسبه اتفاق می‌افتد، مراودات فرهنگی - اجتماعی پویا و پیچیده‌ای به شکل ناخودآگاه صورت می‌گیرد که سبب انتقال عناصر فرهنگی دو طرف می‌شود.

نتیجه

مسکن که مرتبط با فرهنگ انسانی است، در بطن خود تحت تأثیر عوامل نهادی شده‌ای قرار می‌گیرد که از ورای آن می‌توان اندیشه انسان را مرتبط با محیط زیست و نیز دنیای پیرامون آن دانست. به این دلیل است که مسکن؛ پایگاه رسمی زندگی انسان اندیشه ورز، در نهایت سکوت و زیبایی راز خلقت را در همه زوایای خود پنهان می‌کند و این خردمند یگانه هر لحظه فضای آن را در ارتباط با کوچه‌ها، خیابانها و بازارهای اطراف آن قرار می‌دهد و هنگامی که از آن بهره‌وری عاطفی و اقتصادی نیابد به ناچار کوچ می‌کند و عزیمت وی به دیاری دیگر، باز مجبورش می‌سازد تا سرپناه یا جایگاه استراحت دیگری را در ذهن خود رقم زند و به بازسازی دوباره فکرش برای ساختار مسکن جدید اقدام نماید و یا به آنچه خود دارد، قناعت کند و به مرمت آن پردازد. از این رو، او با همه عوامل درونی و بیرونی سازگار می‌شود و به تدریج اگر این عادتی پرثمر در زندگی روزمره‌اش باشد به ناچار سکونت دائمی او را وابسته و دلبسته به فضای زیستی‌اش خواهد کرد. پس می‌ماند تا سالهای سال در همان مکان بزید و خاطره‌ها را به فرزندان خویش منتقل کند. به این دلیل، ساختار مسکن و بازار شهر قدیمی قزوین که پر از قصه‌ها و افسانه‌های کهن است، از دیدگاه مردم‌شناسی مسکن مطالعه شده است.

بناهای مسکونی شهر قزوین با چهره‌ای غبار گرفته از گذر ایام و قدمتی که گاه به بیش از چهار دهه می‌رسد، دیگر (شاید) توان به دوش کشیدن نیازهای جدید ساکنان امروزی خود را نداشته باشند. این بناها را ساکنان به سلیقه خویش مرمت کرده‌اند، تا بمانند و حیات را تداوم بخشند. نتایج به دست آمده از یافته‌های تحقیق حاکی است که ۵۶ درصد از افراد مورد مطالعه، در بافت قدیمی شهر قزوین، به مرمت و بازسازی خانه‌های خود گرایش داشته‌اند. در واقع ۳۱/۵۸ درصد این گروه به مرمت بخش‌هایی از فضای داخلی و خارجی بنا و ۴۲/۱۱ درصد آنان به تخریب و بازسازی قسمتهایی از آن تمایل نشان داده‌اند. آنچه بازار را با فضاهای سنتی حاکم بر آن در قلمرو اندیشه انسان امروزی قرار می‌دهد، ویژگیهای نظام یافته‌ای است که در بطن یک محیط اجتماعی - فرهنگی و به ویژه اقتصادی جای دارد. اجتماعات کهن قدیم همیشه از بازار به مثابه عامل ارتباط یا یک عنصر اصلی مراد اقتصاد و گاد سیاسی و مذهبی نام برده‌اند؛ حتی در بین قبایل جنگل‌نشین و ساکنان بیشه‌زارهای آفریقا نیز بازار پدیده‌ای حاکم بر امور اقتصادی و اجتماعی است که وابسته به یک سلسله مراتب فرهنگی یا رفتارهای فرهنگی خاصی است و

چهره‌ای مشخص و معین دارد. این مسأله در فضای بازار قزوین به سبب قدمتی که دارد و نیز در پیوند یگانه‌ای که بین بازار و محله‌های آن برقرار است، به وضوح به چشم می‌خورد. در واقع بازار قزوین محصول اندیشه‌های قوام یافته‌ای است که با کنایه‌ها، رمزها و واژگان ویژه خود نوعی آمیختگی همسایگی را با... برتری زیستی برای هر تازه واردی عرضه می‌کند و این برقراری ارتباط اقتصادی با هر بازدید کننده، از هر خانواده‌زبانی که باشد، در عین پیچیدگی آنچنان گویاست که حتی در مراودات فروشندگان جدید بازار که بار سالهای گذشته مغازه‌های پدران خود را به دوش کشیده‌اند و در رفتارهای هماهنگ آنان با دیگران (اعم از همسایگان یا مشتریان) به چشم می‌خورد.

بازار سنتی قزوین با سابقه‌ای دیرین (دوران صفویه) و با ساختار و بافتی کهن، از گذشته تا امروز کانون شکل‌گیری فعالیت‌های اقتصادی و تداوم آن بوده است. نتایج به دست آمده از بررسی بازار سنتی قزوین حاکی است که ۶۶ درصد از افراد مورد مطالعه بین ۲۰ تا ۲۵ سال و یا بیشتر در بازار مشغول فعالیت اقتصادی هستند، همچنین ۸۰ درصد از نمونه‌های مورد مطالعه (۴۸ نفر از ۶۰ پاسخگو) دارای خویشاوندانی (اعم از خویشاوندان درجه اول و دوم و خویشاوندان دور) هستند که در بازار قزوین به کار اشتغال دارند. بنابراین، همان طور که در متن مقاله اشاره شده است، فضای بازار و مسکن خانوارها، دو عنصر ویژه روابط فرهنگی را عیان می‌کنند که نوعی خویشی زیستی را که توأم با پدیده‌ها و عوامل اقتصادی و فرهنگی است به نمایش می‌گذارند.

مآخذ

- اقصی، رضا (۱۳۵۶)، *دایرةالمعارف فارسی*، جلد دوم، تهران شرکت سهامی کتابهای جیبی.
- تکمیل همایون، ناصر (۱۳۷۵)، "درآمدی بر موفقیت تاریخی - فرهنگی قزوین" به کوشش علی حضرتی، نشریه نسیم فرهنگ و ادب و هنر قزوین، دفتر اول، چاپ اول، زمستان، قزوین.
- خجسته، حسن (۱۳۷۶)، *تأثیر معماری مسکونی بر سنتها (مطالعه موردی: هویزه)*، ناشر: سروش، تهران.
- زنده دل، حسن و دیگران (۱۳۳۷)، *راهنمای جامع ایرانگردی*، استان قزوین، نشر ایرانگردی تهران.
- شیعه، اسماعیل (۱۳۶۹)، *مقدمه بر مبانی برنامه‌ریزی شهری*، ناشر: دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران.
- عسکری خانقاه، اصغر (۱۳۷۳)، *مردم‌شناسی "روشن، بینش، تجربه"*، نشر شب‌تاب، تهران.
- فلامکی، محمد منصور و دیگران (۱۳۶۵)، *معماری بومی (مجموعه مقالات)*، ناشر: مؤسسه علمی و فرهنگی فضا، تهران.
- گلریز، سید محمد علی (۱۳۳۷)، *مینودر یا باب‌الجنه قزوین*، جلد اول، انتشارات طه.
- مرکز آمار ایران (۱۳۷۰)، *سالنامه آماری کشور (۱۳۶۹)*، ناشر: مرکز آمار ایران، تهران.
- مرکز آمار ایران، *سالنامه آماری کشور سال ۱۳۷۸*، تهران، مرکز آمار ایران، زمستان ۱۳۷۹.
- معاونت آمار و اطلاعات سازمان برنامه و بودجه استان قزوین (۱۳۷۸)، *آمارنامه استان قزوین ۱۳۷۶*، ناشر: سازمان برنامه و بودجه استان قزوین.
- معاونت هماهنگی و برنامه‌ریزی سازمان برنامه و بودجه استان قزوین (۱۳۷۸).
- ورجاوند، پرویز (۱۳۷۷)، *تاریخ و فرهنگ قزوین*، جلد اول، چاپ اول، نشرنی، تهران.
- وزارت مسکن و شهرسازی (۱۳۵۰)، *طرح جامع و تفصیلی شهر قزوین*، دفتر اول، مهندسان مشاور مسکون، تهران.
- وزارت مسکن و شهرسازی (۱۳۶۹)، *طرح جامع و تفصیلی شهر قزوین*، ج ۲، مهندسان مشاور مندا، تهران.
- Keivani, Mahdi (1982) *Artisans and Guild Life in the Later Safavid Period. Contribution to the Socio-economic History of Persia, Islamkundiche*

Untersuchungen, Volume 65. Berlin: Klaus Schwarz Verlage.

○ Emerson, John (1969) *Ex Occidente Lux. Some European Sources on the Economic Structure of Persia between about 1630 and 1690*, Ph.D. Dissertation, Department of Oriental Studies, University of Cambridge. pp. 248-52.